

الحمد لله كما هو اهله ولا حول ولا قوة الا به والصلوة والسلام على خيار خلقه

محمد واهل بيته

اما بعد

فقد قال الله عزوجل في سورة الرحمن،

الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البيان

بدانکه خداوند متعال جل و علا، منت گذاشته است برانسان پس از نعمت خلقت بتعلیم بیان و عطا فرمودن زبان تا که بدانواسطه ما فی الضمیر خود را اظهار نماید و آنچه در دل دارد آشکار سازد. و دراین موهبت و نعمت اگرچه سایر حیوانات نیز شریک و از آن بهره مند میباشند لکن چون بهره شان قلیل و نصیبشان اندک است؛ خلاق متعال جلت عظمته در این کلام شریف تنها انسان رایاد نموده و وی را اختصاص بذکر داده. و همین اظهار مافی الضمیر و ابراز مافی القلب موجب و باعث شده وضع الفاظ را برای معانی. پس غرض از تعلیم بیان و عطا فرمودن زبان و مقصود از وضع الفاظ برای معانی همانا همین اظهار ما فی الضمیر میباشد.

چون این جمله را دانستی و فهمیدی واضح و روشن خواهد شد برتواعتبار فهم معنی و علم بموضوع له الفاظ در ادعیه و اذکار چه در نماز و چه در غیر نماز نظر بمنظور بودن اظهار ما فی الضمیر و ابراز ما فی القلب در دعا و ذکر و توقف

این اظهار و ابراز بر فهم معنی و دانستن موضوع له اما توقف اظهار و ابراز بر فهم معنی و علم باوضاع پس محتاج بیان و اقامه برهان نیست.

و اما منظور بودن اظهار و ابراز در باب دعا و ذکر پس بدو جهت یکی آنکه اولی والیق باظهار مافی الضمیر و ابراز مافی القلب و استفاده از نعمت بیان و گویا بودن زبان و استثمار از وضع الفاظ برای معانی همانا دعا و ذکر است.

و جهت دیگر آنکه عمده و بیشتر جائیکه باید زبان بکار انداخته شود و الفاظ صورت وقوع بخود گیرد همین باب دعا و ذکر است به لحاظ آنکه از یک طرف تحریر و ترغیب فراوان شده بر ذکر و دعا و از طرف دیگر منع اکید و ردع شدید شده از سخن گفتن بغیر ذکر و دعا چنانچه در مقام اول که تحریر و ترغیب بر دعا و ذکر باشد.

از عیاشی رحمه الله تعالی در تفسیر خود از زراره علیه الرحمة نقل شده که از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام پرسید از قول خدای عزوجل، ان ابراهیم لاواه حلیم. حضرت فرمودند، اواه یعنی بسیار دعا کننده.

و از جناب حسن بن فضل طبرسی علیهما الرحمة در کتاب مکارم الاخلاق از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام نقل شده که قریب بدین فرمود، حقیر میندازید حاجتهای کوچک خود رازیرا که دوست ترین مومنین بسوی خدا سوال کننده ترین آنهاست.

واز جامع الاخبار از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که قریب بدین فرمود، بدرستی که خدا دوست دارد کسانی را که الحاح میکنند در دعا.

واز جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة مسندا از حضرت ابیعبده الله علیه الصلوة و السلام نقل شده که در رساله طولانی قریب بدین فرموده اند، وبسیار بخوانید خدا را چه آنکه خدا دوست دارد از مومنین اینکه بخوانند او را.

واز جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة نیز مسندا از حضرت ابیجعفر علیه الصلوة و السلام از توریة غیر محرف نقل شده که حق تعالی فرمود ای موسی بدرستی که یاد من در هر حال نیکو است.

و از جناب قطب راوندی رحمه الله تعالی در کتاب لب اللباب از حضرت رسول صلی الله علیه و الله قریب باین نقل شده که فرمود نمیگذرد بر مومن ساعتی که یاد نکند خدا را در آن مگر آنکه آن ساعت حسرت خواهد بود بر او.

و از جناب سبط طبرسی علیهما الرحمة از کتاب مشکوة الانوار از حضرت ابیعبده الله علیه الصلوة و السلام نقل شده قریب باین، گرامی ترین خلق بر خدا آنکسی است که یاد خدا بیشتر کند و اطاعتش افزون تر باشد.

واز جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب دعوات از حضرت رسول صلی الله علیه و اله قریب بدین نقل شده که عرض نمود، پروردگارا دوست دارم بدانم چه کس را از بندگانت دوست داری تا من هم او را دوست بدارم .

پس حقتعالی فرمود، هر گاه دیدی بنده مرا که بسیار یاد میکند مرا، من خود او را اذن داده ام که یاد کند مرا و من او را دوست دارم. و هر گاه دیدی بنده مرا که یاد نمیکنند مرا، پس من او را از خود محبوب نموده و او را دشمن دارم. و از ابن ابی جمهور علیه الرحمة در درر اللئالی از ابی الدرداء از حضرت رسول صلی الله علیه واله قریب باین نقل شده که، آنانیکه پیوسته زبانشان تراست از ذکر خدا، داخل شوند بهشت را، در حالیکه خندان باشند.

و در مقام دوم که ردع و منع از سخن گفتن بغیر ذکر و دعاباشد.

از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة مسندا از حضرت ابی عبد الله علیه الصلوة والسلام از حضرت مسیح علی نبینا وآله وعلیه الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده که میفرمود، بسیار سخن مگویند در غیر ذکر خدا زیرا کسانیکه بسیار سخن میگویند در غیر ذکر خدا، دلهای ایشان قسی مییابد و لکن خود نمیدانند.

و از جناب محمد بن علی بن حسین علیهم الرحمة از حضرت امیرالمومنین علیه الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده که فرمود، تمام خیر و خوبی جمع شده است در سه خصلت، نظر و سکوت و کلام.

پس نظریکه در آن عبرت نباشد پس آن نظر سهو است. و سخنی که در آن ذکر نباشد آن سخن لغو و بیفائده است. و سکوتی که در آن فکر نباشد آن سکوت

غفلت است. پس خوشا حال آنکس که نظرش عبرت و سکوتش فکر و کلامش ذکر باشد و گریه نماید بر خطیئة و گناه خود. و مردم در امان باشند از شر او. و از جناب ابی یعلی جعفری علیه الرحمة در کتاب نزهة الناظر از حضرت - ابي عبد الله عليه الصلوة و السلام قریب بدین نقل شده که، سه طائفه اند که نمیرسند مگر بخیر و خوبی؛ صاحبان خاموشی و ترک کنندگان شر و کسانیکه بسیار ذکر خدا میگویند.

و از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب قصص الانبیاء علیهم الصلوة و السلام قریب باین نقل شده که چون اولاد و احفاد حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه الصلوة و السلام زیاد شدند، نزد آن حضرت سخن میگفتند و آن حضرت ساکت بود. عرض نمودند ای پدر چرا شما سخن نمیگوئید. فرمود ای فرزندان من، بدرستیکه چون خدای جل جلاله مرا از جوار خود بیرون نمود، بامن عهد فرمود؛ و فرمود سخن خود را کم کن تا بجوار من برگردی.

و از بحار مسندا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله قریب بدین نقل شده که فرمود، خدا رحمت کند بنده ای را که یا تکلم کند بکلامیکه از آن غنیمت ببرد، یا ساکت باشد تا سالم بماند. بدرستیکه زبان از همه چیز بیشتر مالک انسان است. آگاه باشید که کلام بنده تمامش بر ضرر اوست مگر ذکر خداوند متعال یا امر بمعروف یا نهی از منکر یا اصلاح بین مومنین، الحدیث.

واز جناب حسن بن علی بن شعبه علیهم الرحمة در کتاب تحف العقول از حضرت کاظم علیه الصلوة والسلام قریب باین نقل شده که بجناب هشام بن الحکم علیه الرحمة فرمود یا هشام تکلم کنندگان بر سه گونه اند، سودمند و سالم و هالک.

اما سود مند پس یاد کننده خداست. واما سالم پس ساکت است. واما هالک پس آنکسی است که فرو رود در سخنان باطل، الحدیث.

واز جناب شیخ مفید علیه الرحمة در کتاب اختصاص از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده که فرمود، مرد مومن نوشته میشود محسن و نیکو کار مادامیکه ساکت باشد، پس چون سخن گوید، یا نیکوکار نوشته میشود یا بدکار.

واز مصباح الشریعة از حضرت صادق علیه الصلوة و السلام قریب باین نقل شده که، مرد زیر زبان خود پنهانست، پس کلام خود را بسنج و برعقل خود عرضه مدار. پس اگر برای خدا و در راه خدا باشد تکلم کن بآن و اگر غیر آن باشد، پس سکوت بهتر خواهد بود.

واز جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم الرحمة از حضرت امیر صلوات الله وسلامه علیه نقل شده که بمردی گذشت که تکلم مینمود بفضول کلام، پس حضرت توقف کرده بدو فرمود ایمر، بدرستیکه املاء میکنی بر دو ملکیکه

حافظ اعمال واقوال تو هستند، کتابی را بسوی پروردگار خود، پس تکلم نما  
 بآنچه بدان حاجت داری و ترک کن سخنی را که بدان احتیاج نداری.

پس اگر باین وصف یعنی باین تحریص و ترغیب بردعا و ذکر و ردع و منع از  
 غیر آن اظهار مافی الضمیر و ابراز مافی القلب که متوقف بر فهم معنی و علم -  
 بموضوع له الفاظ است، در ذکر ودعا معتبر نباشد و شارع مقدس در مقام تشریح  
 دعا و ذکر و بیان نحوه و تعلیم کیفیت آن باظهار مافی القلب و ابراز مافی الضمیر  
 نظر نداشته باشد، نزدیک بنقض غرض و هدم مقصد خواهد بود.

پس لامحاله تشریح دعا و ذکر و تعلیم نحوه و بیان کیفیت آن ناظر بابرار مافی  
 القلب و اظهار مافی الضمیر خواهد بود.

و تایید مینماید این مطلب را یعنی اینکه تشریح دعا و ذکر و تعلیم نحوه و کیفیت  
 آن مبتنی و موسس بر اظهار مافی الضمیر و ابراز مافی القلب میباشد اخبار با  
 مساعدت اعتبار با اعتبار و ما تیمنا و تبرکا چند روایت نقل میکنیم.

### روایت اول

از جناب شیخ صدوق علیه الرحمة در کتاب توحید و معانی الاخبار از حضرت  
 امیر علیه الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده جکه، اما قول موذن که میگوید  
 اشهدان لا اله الا الله پس اعلامست باینکه شهادت جایز و روانیست مگر با  
 معرفت بقلب و کانه میگوید من میدانم که معبودی نیست مگر خدای عزوجل و

اینکه هر معبودی باطل است جز خدای عزوجل و اقرار میکنم بزبان خود بآنچه در دلم هست از علم باینکه نیست خدائی مگر خدای معروف.

### روایت دوم

از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة مسندا از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة و السلام قریب باین نقل شده که خدای تبارک و تعالی میداند آنچه را که بنده میخواهد هنگام دعا نمودن و لکن دوست دارد که حاجتها بدرگاه او برده شود و بدربار وی عرضه داشته شود، پس چون دعا میکنی حاجت خود را نام ببر.

### روایت سیم

از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة نیز از حضرت صادق علیه الصلوة و السلام قریب بدین نقل شده که فرمود بدرستیکه خدا میداند حاجت تو را و آنچه میخواهی لکن دوست دارد که حاجتها و خواهشها بدرگاه مقدس او عرض شود.

مؤلف گوید که در باب ذکر نیز خدا میداند آنچه را که بنده معرفت و اقرار بدان دارد از وحدانیت و رسالت و غیر آن از معارف و عقاید و لکن دوست دارد که آنرا بزبان بیاورد. پس تشریح دعا و ذکر برای بزبان آوردن حاجت و عقیده است نه برای جاری کردن یک الفاظ و حروفی برزبان.

پس در ادعیه و اذکار ماثوره اول بایستی مضمون و مفاد آنرا فهمید و درک نمود و قلبا خواهان آن و یا عقیده مندآن شد پس از آن آنرا بزبان آورد.



اینست حق امر و حقیقت مطلب فمن شاء فلیومن و من شاء فلیکفر.

### روایت چهارم

از جناب محمد بن یعقوب رحمه الله مسندا از ابی عمر و زبیری از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة و السلام در حدیث طولانی قریب بدین نقل شده که فرمود فرض فرموده خدا بر زبان گفتن و تعبیر از قلب را بآنچه عقیده مند شده بآن و اقرار نموده بدان خدای تبارک و تعالی اسم میفرماید قولوا للناس حسنا و نیز میفرماید قولوا امنا بالله و ما انزل الیکم و الهنا و الهکم و نحن له مسلمون پس این چیز است که خدا فرض نموده بر زبان و آن عمل او است.

### روایت پنجم

از جناب محمد بن علی بن الحسین رحمه الله مسندا از حضرت امیر صلوات الله و سلامه علیه قریب باین نقل شده که در وصیت خود بفرزندش فرمود ای پسرک من مگو آنچه را که نمیدانی تا آنکه فرمود پس از آن تخصیص داده هر جارحه و عضوی را از جوارح و اعضاء بفرضی تا آنکه میفرماید و فرض فرموده بر زبان اقرار و تعبیر از قلب را آنچه بدان عقیده دارد پس فرموده قولوا امنا بالله و ما نزل الینا الایة و نیز فرموده قولوا للناس حسنا الخبر.

### روایت ششم

از جناب محمد بن ابراهیم نعمانی رحمه الله در تفسیرش مسندا از اسمعیل بن جابر از ابی عبدالله علیه الصلوة و السلام در خبر طولانی از حضرت امیر صلوات

الله و سلامه علیه قریب بدین نقل شده که فرمود و اما آنچه فرض فرموده خدا برزبان در معنی تفسیر آنچه قلبش بدان عقیده دارد پس قول خدایتعالی میباشد قولوا امنا بالله و ما نزل الینا و ما نزل الی ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب الایة و فرمایش دیگرش ولا تقولوا ثلثة انتهوا خیرا لکم انما هو اله واحد پس امر فرموده بگفتار حق و نهی فرموده از گفتن باطل .

مولف میگوید که قول بهر معنائیکه منهی عنه است بهمان معنی نیز مامور به است اگر معنای لفظ ممنوعست بهمان معنی مطلوبست و اگر بمعنای مطلب مردوع عنه است بهمان مفهوم مندوب الیه است پس نیک تدبر کن.

### روایت هفتم

از کتاب دعائم الاسلام از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة و السلام در حدیثی قریب بدین نقل شده که فرمود و فرض فرموده خدا برزبان قول و تعبیر قلب از آنچه عقیده مند باو است و اقرار بدان نموده پس فرموده قولوا امنا الایة و نیز فرموده و قولوا للناس حسنا و فرموده و قولوا قولاً سدیداً و ایضا فرموده خدای عزوجل بگفتن آن پس این چیز است که فرض فرموده خدای عزوجل برزبان و آن عمل اوست.

این چند روایت صریح است دراینکه وظیفه و کار زبان اظهار مافی الضمیر و ابراز مافی القلب است نه اجراء الفاظ و حروف. بلکه میفهماند که بنا و اساس بر همین است.

پس از این اخبار و آثار، حال قل ها و تقول هائیکه در قرآن و حدیث راجع بدعا و ذکر موجود است کاملاً فهمیده میشود که بعنوان تعبیر از قلب است نه بعنوان اجراء الفاظ و حروف مقول ها بر زبان. پس گفتن باینکه قل ها اطلاق دارد در نهایت ناتمامی است.

و پوشیده نماند که کم مسئله فقهی است که مانند ما نحن فیه، مدعی عین مفاد دلیل و مفاد دلیل عین مدعی باشد. پس حالت منتظره ای برای تصدیق مدعی که مبتنی و موسس بودن ادعیه و اذکار بر اظهار مافی الضمیر و ابراز آن یعنی تعبیر از آنچه در قلب است باشد، باقی نماند.

و نیز گواهی میدهد بر این مطلب یعنی بر اینکه بنا و اساس در باب دعا و ذکر بر اظهار مافی الضمیر و ابراز مافی القلب است، بالفاظ و حروف، نه اظهار و ابراز خود الفاظ و حروف سه امر.

### امر اول

آنچه از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام در روایت نعمانی علیه الرحمة نقل شده که در حدیثی فرمود، پس امر فرموده خدای سبحانه بقول حق و نهی فرموده از قول باطل.

و آنچه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که، قریب بدین فرمودند، بسیار سخن نگوئید بغیر ذکر خدا چه آنکه بسیار سخن گفتن در غیر ذکر خدا قلب را قسی میگرداند و دورترین مردم از خدا قسی القلب است.

وآنچه از حضرت مسیح علی نبینا واله وعلیه الصلوة والسلام نقل شده که میفرمود، بسیار سخن مگوئید در غیر ذکر خدا زیرا آن کسانی که بسیار سخن میگویند در غیر ذکر خدا دلهایشان قسی میباشد و لکن خود نمیدانند.

وآنچه از جناب لقمان علی نبینا واله وعلیه الصلوة والسلام نقل شده که بفرزند خود قریب بدین فرمود، ای پسرک من خیری نیست در کلام مگر بذكر خدايتعالی الخبر.

وجه شهادت این اخبار برمدعی که مبتنی و موسس بودن ادعیه واذکار بر اظهار مافی الضمیر و ابراز مافی القلب باشد، آنستکه در این اخبار کلام و سخن را منقسم نموده اند بذكر و غیر ذکر. و بدیهی است که در غیر ذکر از سخنان متداولی و متعارفی بنا و اساس بر بیان مطلب و مراد است، بالفاظ و حروف، نه بیان خود الفاظ و حروف پس در ذکر نیز چنین خواهد بود.

### امر دوم

آنچه از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب توحید مسندا از زیدبن خالد نقل شده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله مرا فرستاده فرمود بشارت ده مردمرا که کسیکه بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له پس برای او خواهد بود بهشت.

و آنچه از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت رسول صلی الله علیه و اله نقل شده که قریب بدین فرمودند، کسیکه ختم شود برای او بلا اله الا الله واجب شود برای او بهشت.

و آنچه از جناب قطب راوندی رحمه الله از حضرت رسول صلی الله علیه و اله نیز نقل شده که قریب باین فرمود کسیکه آخرین سخن او لا اله الا الله باشد داخل شود بهشت را.

و آنچه از جناب قطب راوندی در لب اللباب نیز از حضرت موسی علی نبیناواله و علیه الصلوة والسلام نقل شده که عرض نمود پروردگارا دلالت نمای مرا بر عملیکه بواسطه آن داخل بهشت شوم، پس حق تعالی فرمود بگو لا اله الا الله.

وجه شهادت این اخبار بر مدعی یعنی بر اینکه مطلوب و مندوب الیه در ادعیه و اذکار معانی و مفاهیم است نه الفاظ و حروف آنستکه وجوب بهشت برای گوینده این کلمه طیبه بلحاظ معنی و مفهومست که اقرار بوحدانیت باشد نه لفظ و حرف.

### امر سیم

آنچه از جناب محمدبن ابراهیم نعمانی علیهما الرحمة در تفسیرش نقل شده در حدیثی که از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام سؤال شد که آیا ایمان قول و

عمل است یا قول بدون عمل. پس حضرت فرمود ایمان تصدیق است بجنان و اقرار است بزبان و عمل است بارکان و ایمان تماش عمل است. و آنچه از ابن بابویه علیهما الرحمة مسندا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند ایمان معرفت است بقلب و اقرار است بزبان و عمل است بارکان.

وجه شهادت این دوروایت برمدعی آنست که مراد باقراریکه دراین دو روایت یکی از ارکان سه گانه ایمان شمرده شده، اقرار بآن چیز است که معرف بآن از وحدانیت خداوند متعال و رسالت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و نحو آن از معارف و عقاید بگفتن لا اله الا الله یا محمد رسول الله (ص) نه جاری کردن لفظ و حرف این دو جمله بزبان.

و فرقی نیست بین دفعه اولی و باقی دفعات.

یعنی هر چه لا اله الا الله یا محمد رسول الله (ص)، مثلا میگوئیم تمام اقرار و اعتراف میباشد بآنچه معرفت بآن داریم از وحدانیت و رسالت و نحو آن. نه آنکه فقط همان دفعه اولی اقرار و اعتراف باشد و سایر دفعات اجراء لفظ و حرف بزبان.

و گواهی میدهد بر آن فرمایش حضرت امیر علیه الصلوة والسلام در روایت صدوق علیه الرحمة در قول مؤذن، شهدان لا اله الا الله و اقرار میکنم بزبان خود بآنچه در دلم هست از علم باینکه نیست خدایی جز خدا.

و فرمایش حضرت رضا علیه الصلوة والسلام در روایت علل و عیون از فضل بن شاذان علیهما الرحمة در بیان علل اذان، پس چون بنده اقرار نمود برای خدا بوحدانیت و اقرار کرد از برای رسول برسالت پس اقرار نموده بجملة ایمان، چه آنکه اصل ایمان همانا اقرار بخدا و رسول او است.

و فرمایش حضرت امیر صلوات الله وسلامه علیه در روایت محمد بن علی بن ابراهیم در کتاب علل و معنای قول مؤذن اشهدان لا اله الا الله، اقرار است بتوحید و نفی انداد و هرچه جز او پرستیده میشود. و معنای قول، او اشهدان محمدا رسول الله (ص) اقرار است برسالت و نبوت الخیر.

و فرمایش حضرت رضا علیه الصلوة والسلام در روایت عیون و علل در جهت قرار ندادن سبحان الله والحمد لله عوض لا اله الا الله در آخر اذان، برای آنکه لا اله الا الله اقرار است برای خدایتعالی بتوحید و خلع انداد و آن اول ایمانست و اعظم است از تسبیح و تحمید.

و فرمایش حضرت علی علیه الصلوة والسلام در روایت عیون، در تفسیر سوره مبارکه حمد، پس چون بنده بگوید، مالک یوم الدین، خدای عزوجل فرماید بملائکه شاهد میگیرم شمارا که هم چنانیکه بنده من اعتراف نمود باینکه من مالک و صاحب اختیار روز جزا میباشم.

هرآینه آسان خواهم کرد البته روز حساب، حساب اورا. وهرآینه سنگین خواهم نمود البته حسنت وی را وهرآینه درخواهم گذشت البته از سیئات وبدیهای او.

و فرمایش حضرت امیر علیه الصلوة والسلام در روایت بحار، و تاویل تشهدت تجدید ایمان و معاودت اسلام و اقرار ببعثت است بعد از موت، الحدیث الی غیر ذالک از اخبار و آثار.

مولکه این چند روایت خود دلیل وبرهان مستقلى میباشد بر مدعى که مبتنى و موسس بودن ادعیه واذکار باشد بر اظهار مافى الضمیر و ابراز مافى القلب. و نیز که از فرمایش خداوند عالم بعد از گفتن بنده مالک یوم الدین همچنانکه بنده من اعتراف نمود باینکه من صاحب اختیار روز جزا میباشم تا آخر. کاملاً استفاده میشود که سوره مبارکه حمد، کلام مامیباشد که در محضر پروردگار خود میگوئیم نهایت بتعلیم خود خداوند عالم.

واخباریکه این مطلب از آن استفاده میشود متعدد است وبعلاوه که ظاهر خود سوره مبارکه نیز حاکم است باینکه کلام ما است که بآن با خدا حرف میزنیم، نه کلام خدا که با ما حرف بزند بآن.

و جواب اشکالیکه در قصد معنی میباشد که تنافی بین آن و قصد قرآنیت باشد بحمدالله و المنة در کتاب الهادی بطرز تازه داده شده. و حقیقت و سر امر



آنستکه چون ما در باب ذکر و دعا بسه امر جاهل و بتذکر و یادآوری نیازمند میباشیم.

اول باصل آن یعنی نمیدانیم که باید از خداوند عالم جل و علا چیز خواست یا باید ذات مقدس او را یاد نمود.

دوم آنکه نمیفهمیم از ذات قدوس او چه باید خواست یا ذات پاک او را بچه باید یاد کرد.

سیم آنکه برنمیخوریم که بچه نحو بایستی ذات سبوح او را یاد نمود و یا چه طور از ذات مقدسش چیز خواست.

لهذا خود خداوند عزوجل و حضرت رسول و ائمه علیه و علیهم الصلوة و السلام راجع بمرحله اولی تذکر داده و یادآور شده اند، بقول اذکروا و ادعوا مثلا.

و راجع بمرحله دوم بقول قولواستغفرالله و الله اکبر.

و بدیهی است که مرحله دوم که استغفروا و کبروا باشد از توابع مرحله اولی میباشد زیرا که استغفار و تکبیر از انواع و اقسام دعا و ذکر است.

و مرحله سیم که قولواستغفرالله و الله اکبر باشد از توابع مرحله دوم میباشد.

چه آنکه استغفرالله و الله اکبر نحوه و کیفیت همان استغفار و تکبیر است و همچنانکه در مرحله اولی که ادعوا و اذکروا باشد. و مرحله ثانیه که استغفروا و کبروا باشد حتما نظر بمعنی و مفهوم است نه لفظ و حرف.

یعنی مطلوب و مندوب الیه حقایق و معانی میباشد نه الفاظ و حروف. همچنین در مرحله سیم که قولوا استغفرالله و الله اکبر باشد نیز حتما معنی و مفهوم منظور و ملحوظ است نه لفظ و حرف.

بلی در بعضی از مقامات ممکن است که برای لفظ و حرف نیز مدخلیتی در مطلوبیت باشد باین معنی که معنی و مفهوم را بخواهند بالفاظ مخصوصه و حروف معینه.

و از اینجا ظاهر شد که تعلیم صیغ ادعیه و اذکار از باب احتیاج ما است بآن نه موضوعیت داشتن الفاظ و حروف در مطلوبیت و مندوبیت. لهذا اگر متکلم و مخاطب اهل لغت دیگر میبودند دعا و ذکر نیز بهمان زبان و لغت میبود.

و شاهد براین آنستکه در بسیاری از اخبار روات سؤال میکرده اند از اینکه چه جور صلوات بفرستند یا چه جور استعاذه بگویند یا چه نحو دعا بکنند و امثال آن.

و شاهد دیگر آنچه از عیون و علل از حضرت رسول صلی الله و اله نقل شده که در حدیثی قریب بدین فرمود، پس چگونه ما از ملائکه افضل نباشیم و حال آنکه ما سبقت گرفتیم برایشان بسوی معرفت پروردگار خود و تسبیح و تهلیل و تقدیس او، زیرا که اول ما خلق الله ارواح ما بود.

پس گویا گردانید ارواح ما را بتوحید و تحمید خود پس از ان خلق فرمود ملائکه را پس چون ارواح ما را مشاهده کردند، نور واحد بزرگ شمردند امر

مارا. پس تسبیح کردیم تا بدانند ملائکه که ما مخلوقیم و خدایتعالی منزّهست از صفات ما. پس ملائکه نیز تسبیح گفتند بواسطه تسبیح ما و تنزیه کردند خدا را از صفات ما.

پس چون مشاهده کردند بزرگی شان مارا تهلیل گفتیم برای آنکه ملائکه بدانند که نیست خدایی جز خدا و آنکه ما بندگانیم و نیستیم خدایان که واجب باشد عبادت ما با خدا یا بدون خدا. پس گفتند لا اله الا الله.

پس چون مشاهده نمودند عظمت محل ما را، تکبیر گفتیم تا ملائکه بدانند که خدا بزرگتر است از آنکه کسی برسد بعظم محل او، مگر بذات مقدس او.

پس چون دیدند آنچه را که خدا قرار داده برای ما از عزت و قوت گفتیم لا حول و لا قوة الا بالله العظیم تا بدانند ملائکه که نیست حول و قوه ای مگر بخدا پس ملائکه نیز گفتند لا حول و لا قوة الا بالله.

پس چون مشاهده کردند آنچه را که خدا انعام فرموده بما و واجب فرموده برای ما از فرض نمودن طاعت ما گفتیم الحمد لله تا ملائکه بدانند آنچه را که حق است برای خدا بر ما از حمد بر نعمتش، پس ملائکه نیز گفتند الحمد لله.

پس بما هدایت یافتند بسوی معرفت توحید خدا و تسبیح و تهلیل و تمجید او الحدیث.

بهرحال شک و ریبی نیست دراینکه حقیقت و ماهیت نماز از حیث اقوال عبارتست از معانی و مفاهیم نه الفاظ و حروف. و اینکه بنا و اساس درباب دعا



والا از گوینده جز لفظ لا اله الا الله و حرف محمد رسول الله (ص) چیز دیگری حاصل نخواهد شد. و ما این مطلب را که ابتداء تشریح و تعلیم بر اظهار و توقف اظهار بر فهم و درک باشد و وجیزه ای که راجع بحقیقت و ماهیت نماز است واضح تر و روشن تر بیان نموده ایم. و انشاء الله عن قریب بطبع رسیده در دسترس طالبین گذارده خواهد شد.

و چون مطلب اینجور میباشد یعنی بنا و اساس در دعا و ذکر چه در نماز و چه در غیر نماز بر اظهار ما فی الضمیر و ابراز ما فی القلب است در آنچه از قول خودمان میگوییم اگر چه بتعلیم الله باشد. مانند سوره مبارکه فاتحه و بسمله چه در این سوره و چه در سوره های دیگر. یا بتعلیم الرسول و الائمه علیه و علیهم الصلوة و السلام باشد مثل ادعیه و اذکاری که از ایشان رسیده و این اظهار ما فی القلب و ابراز ما فی الضمیر متوقف است بر فهم معنا و درک مفهوم بنحوی که بدون فهم و درک غیر از لفظ و حرف چیز دیگر از گوینده تحقق پیدا نمیکند.

لهذا در مقام ترجمه نماز بروجه اوضح و ابسط از آنچه در بعض رسائل عملیه و غیر آن ذکر فرموده اند برآمدم، امید آنکه خداوند متعال مومنین را بدان بهر مند فرماید.

و اینک من باب المقدمه چند حدیث که کاملاً اهمیت و بزرگی نماز را میرساند ذکر میکنیم و پس از آن شروع بمقصد مینماییم.

### حدیث اول

از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب امالی از حسن بن ابی العلاء از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده که دوست ترین مردم بسوی خداوند عزوجل مردیستکه بسیار راستگو باشد در گفتار خود ومحافظت کننده باشد بر نمازهای خود و آنچه خدا فرض نموده با اداء امانت.

### حدیث دوم

از جناب محقق علیه الرحمة در کتاب معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله قریب بدین نقل شده که پیوسته شیطان از مومن ترسان ولرزان است مادامیکه محافظت نماید بر نماز پنجگانه پس هرگاه ضایع نمود نماز را، جری میشود براو شیطان.

### حدیث سیم

از جناب شیخ صدوق علیه الرحمة مسندا از حضرت امیر صلوات الله وسلامه علیه قریب باین نقل شده که فرمود هیچ عملی دوست تر نیست بسوی خدای عزوجل از نماز پس مشغول نکند شمارا از اوقات آن چیزی از امور دنیا زیرا که خدای عزوجل مذمت فرموده اقوامی را، پس فرموده وکسانیکه ایشان از نماز خود سهو کنندگانند، یعنی اینکه ایشان غافل اند واستهانت میکنند باوقات آن وسبک میشمزند وقت نماز را.

### حدیث چهارم

از جناب ابن شیخ طوسی علیهما الرحمة در کتاب مجالس مسندا از حضرت امیر صلوات الله وسلامه علیه قریب بدین نقل شده که وصیت و سفارش میکنم شمارا بنماز و اینکه حفظ کنید آنرا زیرا که نماز بهتر عمل است و عمود دین شما است الخبر.

### حدیث پنجم

از جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم الرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده که در حدیثی فرمود، بدرستیکه ملک الموت دفع میکند شیطانرا از کسیکه محافظت نماید بر نماز و تلقین میکند و بزبان او میدهد در آن حالت عظیمه شهادت باینکه نیست خدایی بجز خدا و اینکه - محمد صلی علیه وآله، رسول و فرستاده خداست.

### حدیث ششم

از جناب محمد بن الحسن علیهما الرحمة مسندا از حضرت امیر علیه الصلوة و السلام از حضرت رسول صلی الله علیه وآله قریب بدین نقل شده که فرمود، بدرستیکه عمود دین نماز است. و اول چیز است که در آن نظر میشود از عمل فرزند آدم پس اگر صحیح بود در اعمال دیگرش نظر میشود و اگر صحیح نبود در باقی اعمال وی نظر نمیشود.

### حدیث هفتم

از جناب احمد بن محمد برقی در کتاب محاسن مسندا از حضرت ابیجعفر علیهما الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده که نماز عمود دین است مثل آن مثل عمود خیمه است که هرگاه سر یا باشد طنابها و میخهای آن برقرار است و هرگاه میل کرد و شکست برقرار نمیماند، نه میخی و نه طنابی.

### حدیث هشتم

از جناب احمد بن محمد برقی در کتاب مجالس از جناب ابی بصیر رحمه الله تعالی قریب بدین نقل شده که داخل شدم برام حمیده که تعزیت بگویم او را در فوت ابی عبدالله علیه السلام پس ام حمیده گریست و منمهم از گریه او گریستم، پس گفت یا با محمد اگر میدیدی اباعبد الله را در وقت موت هرآینه مشاهده میکردی امر عجیبی. حضرت چشمهای خود را باز نموده فرمود جمع کنید هرکه را بین من و اوقرابت و خویشاوندی هست. پس فروگذار نکردیم کسی را مگر آن که حاضر نمودیم او را. پس فرمود بدرستی که شفاعت مانرسد آنکس را که استخفاف کننده بنماز باشد.



### حدیث نهم

از جامع الاخبار از حضرت رسول صلی الله علیه واله قریب بدین نقل شده که فرمود کسیکه وا بگذارد نماز خود را تا آنکه از او فوت شود بدون عذر پس بتحقیق که حبط شود عمل او. پس از آن فرمود بین بنده و بین کفر، ترک نماز است یعنی بترک نماز کافر میشود.

### حدیث دهم

از کتاب دعائم الاسلام و جعفریات از حضرت رسول صلی الله علیه واله قریب بدین نقل شده که در حدیثی فرمود، پس هر گاه نماز گذار رکوع و سجود و سهام نماز خود را تمام و کمال بجا آورد نمازش بالا رود بآسمان در حالتیکه برای آن نوری باشد که تلاء لوء و درخشندگی کند و باز شود برای آن درهای آسمان و بصاحب خود گوید محافظت نمودی بر من خدا تو را حفظ کند. و ملائکه گویند درود بفرستد خدا بر صاحب این نماز. و هرگاه تمام نکند سهام نماز را بالا رود و حال آنکه برای آن ظلمت و تاریکی باشد و درهای آسمان برای آن نماز بسته شود. و بنماز گذار گوید ضایع نمودی مرا خدا تو را ضایع نماید و چنین نمازی را بصورت صاحبش زنند.

### حدیث یازدهم

از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة مسندا از ابن مسکان از جناب ابی بصیر رحمه الله از حضرت ابی الحسن الاول یعنی حضرت رضا علیه الصلوة و السلام قریب باین نقل شده که چون فوت پدر بزرگوارم در رسید بمن فرمود ای پسرک من اینکه شان چنین است که نخواهد رسید شفاعت ما را کسیکه استخفاف کند بنماز.

### حدیث دوازدهم

از جناب احمد بن محمد برقی در کتاب محاسن مسندا از حضرت ابیجعفر علیهما الصلوة و السلام قریب بدین نقل شده که فرمود نمیرسد شفاعت مرا کسیکه استخفاف کند بنماز خود وارد نشود بر حوض نه بخدا قسم.

### حدیث سیزدهم

از کتاب عیون مسندا از حضرت نبی صلی الله علیه واله قریب باین نقل شده که چون روز قیامت شود بنده را میخوانند پس اول چیزی که سؤال کنند از او نماز است پس هر گاه تمام آورده شده باشد فیها والا یرتاب شود در آتش.

### حدیث چهاردهم

از کتاب عیون از حضرت رسول صلی الله علیه واله قریب بدین نقل شده که فرمود ضایع نکنید نماز خود را، زیرا کسیکه ضایع کند نماز خود را محشور شود با قارون و هامان و حق خواهد بود بر خدا اینکه داخل کند او را در آتش

با منافقین. پس ویل برای آن کسیکه محافظت نکند بر نماز خودش و اداء سنت خود.

### **حدیث پانزدهم**

از جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم الرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة و السلام قریب بدین نقل شده که فرمود اول چیزی که حساب کرده شود بنده نماز است. پس اگر قبول شد، قبول خواهد شد سایر اعمالش. و هرگاه رد شود، رد خواهد شد بر او سایر اعمالش.

### **حدیث شانزدهم**

از جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم الرحمة در کتاب عقاب الاعمال مسندا از جناب زرارة علیه الرحمة از حضرت ابیجعفر علیهما الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده که فرمود مردی داخل مسجدی شد که حضرت رسول صلی الله علیه واله در آن بودند پس سجده نماز خود را آن طور که باید بجا بیاورد بجا نیاورد پس حضرت فرمود که این مرد سجده کرد مانند کلاغ که منقار خود را بزمین میزند اگر بمیرد و نمازش همین جور باشد خواهد مرد بر غیر دین محمد(ص).

### حدیث هفدهم

از جناب محمد بن الحسن مسندا از یونس بن یعقوب از حضرت ابی عبد الله علیه الصلوة و السلام قریب بدین نقل شده که میفرمود یک حج افضل است از دنیا و آنچه در آن است و یک نماز فریضه افضل است از هزار حج.

### حدیث هجدهم

از جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم الرحمة در کتاب عقاب الاعمال مسندا از حضرت رسول صلی الله علیه و اله قریب بدین نقل شده که فرمود نیست بین کفر و ایمان مگر ترک نماز.

### حدیث نوزدهم

از کتاب دعائم الاسلام از حضرت امیر علیه الصلوة و السلام قریب بدین نقل شده که فرمود وصیت و سفارش میکنم شما را بنمازی که عمود دین و قوام اسلامست پس غفلت نکنید از آن.

### حدیث بیستم

از جناب جعفر بن احمد قمی علیهما الرحمة در کتاب غایات از حضرت ابی عبد الله علیه الصلوة و السلام قریب باین نقل شده که فرمود، بدرستی که افضل اعمال نزد خدا روز قیامت نماز است.

### حدیث بیست و یکم

از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت نبی صلی الله علیه واله قریب بدین نقل شده که فرمود، هر کس که در دنیا نمازش بیشتر باشد در بهشت زوجات و زنان وی بیشتر باشد.

### حدیث بیست و دوم

از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده که در حدیثی فرمود، بدرستیکه ملک الموت در هر روز پنج مرتبه از مردم خبر میگیرد در اوقات نماز. پس اگر شخص از کسانی باشد که مواظبت کند بر نماز، در نزد اوقات آن تلقین میکند باو شهادت بوحدانیت و یگانگی خدای تعالی و گواهی برسالت حضرت محمد صلی الله علیه واله را و دور مینماید از او شیطانرا. مولف گوید پس چنین کسی نبایستی غمگین و اندوهناک باشد از آنچه از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام نقل شده که هیچ کس نیست مگر آنکه موکل مینماید بر او ابلیس از شیاطین خود و امر میکند او را بکفر و بشک میاندازد او را در دینش تا آن که بیرون رود نفس او. پس کسیکه مومن باشد قدرت پیدا نخواهد کرد بر او.

### حدیث بیست و سیم

از عیاشی علیه الرحمة در تفسیر خودش از حسین بن احمد از پدرش از -  
حضرت ابیعبد الله علیه الصلوة والسلام قریب باین نقل شده که میفرمود  
بدرستیکه طاعت خدای عزوجل خدمت اوست در زمین. پس نیست چیزی از  
خدمتش که برابر باشد بانماز و بدین جهت میباشد که ملائکه حضرت زکریا را  
در حال نماز آواز دادند.

### حدیث بیست و چهارم

از جناب شیخ صدوق رحمه الله مسندا از حضرت علی علیه الصلوة والسلام  
قریب بدین نقل شده که چون مرد بنماز بایستد، ابلیس بسوی وی نگاه میکند  
از روی حسد برای آن چه می بیند از رحمت خدا که فرو گرفته نماز گذار را.

### حدیث بیست و پنجم

از معاویة بن وهب نقل شده که از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام سؤال  
نمود از بهتر چیزی که تقرب میجویند بندگان بسوی پروردگار خود و دوست  
ترین آن نزد خدای تعالی پس حضرت فرمود نمیدانم چیزی را بعد از معرفت  
که بهتر باشد از این نماز، آیا نمی بینی که بنده صالح عیسی بن مریم علیهما  
السلام فرموده و وصیت نموده مرا خدا بنماز و زکوة مادامی که زنده باشم.  
مولف می گوید اخباریکه از آن استفاده میشود که بعد از علم و معرفت هیچ  
چیز بهتر و بالاتر از نماز نمیباشد بسیار است.

بنابراین بعد از ترویج و رواج دادن توحید و نبوت و امامت در میان مردم احیاء هیچ امری و زنده نمودن هیچ مطلبی از ترویج و احیاء این مطلب که حقیقت و ماهیت نماز از حیث اقوال معانی و مفاهیم میباشد نه الفاظ و حروف. و اینکه تحقق دادن این معانی و مفاهیم متوقف است بر فهم و درک آن مهمتر و لازم تر نیست پس بعد از ادای واجبات و ترویج معرفت صرف وقت و خرج مال در احیاء این مطلب بطبع این کتاب و کتاب الهادی که بزبان عربی نوشته شده و انتشار آن از صرف و خرج در باقی امور اهم و الزم است.

### ترجمه اذان و اقامه

الله اکبر، یعنی خدا بزرگتر است از هر چیزی من جمله از اینکه وصف کرده شود باوصاف مخلوقات زیرا که خداوند عالم مابینست با مخلوقات من جمیع الجهات والحیثیات بتمام المباینة یعنی از هیچ جهتی از جهات و حیثیتی از حیثیات شباهت بهیچ خلقی از مخلوقات ندارد حتی از حیث بزرگتری هم شباهت ببزرگتری مخلوقی از مخلوق ندارد یعنی خدا بزرگتر است از هر چیزی نه مانند بزرگتری چیزی از چیز دیگر. و شاید در بعضی از اخبار که منع شده از قصد من کل شی عوض من ان یوصف و فقهاء هم حکم بکراهت این قصد نموده اند برای دفع ابهام شباهت باشد از این حیث.

اشهدان لا اله الا الله، یعنی شهادت و گواهی میدهم باین که نیست خدائی مگر خدای معروف که بالفطرة ذات قدوس او را میشناسیم.

اشهد ان محمدا رسول الله(ص)، یعنی گواهی میدهم که محمد (ص) رسول و فرستاده خدا است.

اشهد ان عليا ولي الله، که جزء اذان و اقامة نیست و آن را تیمنا و تبرکا میگوئیم. یعنی شهادت میدهم که علی (ع) ولی خدا است.

حی علی الصلوة، یعنی بشتابید بسوی نماز.

حی علی الفلاح، یعنی شتاب کنید بسوی رستگاری که نماز باشد.

حی علی خیر العمل، یعنی شتاب نمائید بسوی بهترین عمل که نماز است.

قد قامت الصلوة، یعنی بتحقیق که بر پا شد نماز.

الله اکبر، یعنی خدا بزرگتر است از هر چیزی من جمله از اینکه وصف کرده شود.

لا اله الا الله، یعنی نیست خدائی جز خدا.



## ترجمه خود نماز

الله اکبر، یعنی خدا بزرگتر است از هر چیز من جمله از اینکه وصف کرده شود. اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم، یعنی پناه میبرم بخدای شنوای دانا از شیطان رانده شده.

بسم الله الرحمن الرحيم، یعنی قرائت میکنم سوره مبارکه حمد را بنام خدائی که رحم کننده است در دنیا بر مومن و کافر. و رحم کننده است در آخرت بر مومن.

مؤلف گوید که این اسم و نام که ما بدان قرائت میکنیم عبارتست از نور مجردیکه خداوند متعال بما عطا فرموده و ما را واجد و دارای آن قرار داده که حیوة و شعور و فهم ما باو است فعالیت یعنی تمامی کردار و گفتار ما بدو است. و از این اسم و نام در ذکر بحول الله و قوته اقوم واقعد تعبیر بحول و قوه شده است و چون این نور مقدس که مراد از اسم و نام است نشانه خدا است مسمی باسم و نام گردیده و این اسم و نام اسم اعظم و نام اکبر حقتعالی میباشد چنانچه خلق جسمانی از بسائط و مرکبات جواهر و اعراض اسم و آیت صغرای خداوند متعال میباشد.

الحمد لله رب العالمين، یعنی ستایش مخصوص خداوندی میباشد که پروردگار عالمیان و تربیت کننده و پرورش دهنده کافه مخلوقات میباشد. چه آنکه هیچ

موجودی از خود بخودی خود، حسن و کمالی و خوبی و جمالی ندارد که بدان واسطه مستحق حمد و سزاوار ستایش باشد.

الرحمن الرحیم، یعنی خدائی که رحمن است در دنیا بر مومن و کافر و رحیم است در آخرت بر مومن.

مولف گوید که اختصاص رحمت در آخرت بمومن نه از باب قصور آن است، بلکه برای تقصیر غیرمومن است که بواسطه ابا و امتناع از ایمان و اطاعت و اختیار کفر و معصیت بر آن خود را از رحمت نامتناهی خداوند رحمن محروم و بی بهره مینماید.

مالک یوم الدین، یعنی خدائیکه پادشاه و صاحب اختیار یوم جزا و روز پاداش است.

ایاک نعبد و ایاک نستعین، یعنی ما مومنین تو را عبادت و پرستش میکنیم و از تو یاری و کمک میخواهیم.

مکه اختصاص ما عبادت و پرستش را و هم چنین استعانت و یاری جستن را بخداوند عالم جل و علا تعبدی نیست بلکه برای آن است که کسی جز خدای تعالی مستحق عبادت و سزاوار پرستش نیست که او را پرستش نمائیم و از دست کس دیگر کاری بر نمی آید که از او کمک و یاری بخواهیم.

اهدنا الصراط المستقیم، یعنی هدایت و راهنمایی فرمای ما را براه راست و درست در عقاید و اخلاق و کردار و گفتارمان.

صراط الذین انعمت علیهم، یعنی راه آن کسانی که انعام فرموده ای بر ایشان از انبیاء و صدیقین و شهداء و صالحین.

غیر المغضوب علیهم، یعنی غیر راه کسانی که مغضوب علیهم اند که از جمله آنانند یهود.

ولا الضالین، و نه راه گمراهان که از آن جمله اند نصاری.

بسم الله الرحمن الرحیم، یعنی میخوانم سوره مبارکه توحید را بنام خدای رحمن رحیم.

قل هو الله احد، یعنی بگو ای محمد(ص) که همانا خدا یگانه و یکتا است.

الله الصمد، یعنی خداست که چشم تمامی مخلوقات در رسیدن بخیرات و نجات از شرور و بلیات بالفطرة بدرگاه اوست.

لم یلد و لم یولد، یعنی چیزی از ذات مقدس او جدا نشده و بعمل نیامده و ذات قدوس او هم از چیزی بعمل نیامده و جدا نشده.

و لم یکن له کفوا احد، یعنی نمی باشد برای او همتا احدی.

کذلک الله ربی، یعنی همین جور است خدا پروردگار من.

### ذکر رکوع و سجود

سبحان الله، یعنی پاک است خدا از هر عیب و نقصی که از آن جمله است آن چه مشرکین نسبت بذات مقدس او میگویند.

### تسبیحات اربعه

سبحان الله والحمد لله ولااله الا الله والله اكبر، یعنی منزّهست خدا و ستایش مخصوص خداست و نیست خدائی جز خدای معروف بالفطرة و خدا بزرگ تر است از هر چیز من جمله از آن که وصف کرده شود استغفار بین دو سجده و بعد از تسبیحات استغفرالله من جمیع ما کره الله و اتوب الیه یعنی طلب آمرزش میکنم خدا را از تمام آن چه کراهت دارد از آن از خیالها و گمانها و کردارها و گفتارها و بازگشت میکنم بسوی او.

### ذکر بعد از رکوع

سمع الله لمن حمده، این جمله دعا است یعنی بشنود خدا و قبول فرماید حمد و ستایش کسی را که ستایش میکند او را.

### ذکریکه در حال برخواستن برای قیام گفته میشود

بحول الله و قوته اقوم واقعد، یعنی بحول و قوه خدا بر میخیزم و می نشینم. برای اختصاص قیام و قعود بذکر در این جمله با وجود آن که تمام افعال و اقوال ما بحول و قوه الهی است چنانچه قبلا گذشت دو وجه بنظر میرسد. یکی مناسبت مقام و دیگر آن که چون قیام و قعود از باقی افعال نوعاً آسان تر است و قتیکه از این کلام فهمیدیم و اعتراف نمودیم که قیام و قعودمان بحول و قوه خداوند عالم است بطریق اولی خواهیم دانست و مقر خواهیم بود باینکه

باقی افعالمان هم بحول و قوه حقتعالی است و بدون حول و قوه ذات مقدس او انجام نمیگیرد.

### دعای دست

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عرفنی نفسک و قربنی منک واجعلنی کما تحب وترضی، یعنی خدایا رحمت و درود فرست بر محمد آل محمد و بشناسان بمن خودت را و نزدیک گردان مرا بذات مقدس خود و قرارده مرا از حیث عقاید و اخلاق و کردار و گفتار آنطوریکه دوست داری و میپسندی.

### دعای سجده آخر

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم وارحم موالیهم والعن اعدایهم واحشرنی معهم و فی زمرتهم انک حمید مجید، یعنی خدایا رحمت و درود بفرست بر محمد و آل محمد و تعجیل فرما در فرج ایشان و رحمت نما بر دوستان ایشان و لعنت کن دشمنان ایشان را و محشور فرما با ایشان و در زمره ایشان چه آن که تو حمید و مجیدی.

### نشود

الحمد لله كما هو اهله، یعنی ستایش برای خداست آنجوریکه خود اهل آنست. اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له، یعنی شهادت میدهم اینکه نیست خدایی مگر خدای معروف بالفطرة که یگانه است و نیست شریکی برای او.

واشهد ان محمدا عبده ورسوله، یعنی گواهی میدهم که محمد بنده خدا  
و فرستاده اوست.

اللهم صل علی محمد و آل محمد، یعنی خدایا درود بفرست بر محمد و آل  
محمد.

و تقبل شفاعته و ارفع درجته، یعنی وقبول فرما شفاعت او را و بلند گردان درجه  
و منزلت وی را.

السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته، یعنی سلام از خدای عزوجل  
برتوباد ای پیغمبر ورحمت خدا وبرکات او.

السلام علینا وعلی عبادالله الصالحین، یعنی سلام خدا بر ما وبنندگان صالح  
وشایسته خدا.

مولف گوید، چنانچه بعینا قصد کند خود و ملائکه موکل بر خود را نیکو خواهد  
بود.

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته، یعنی سلام از طرف خدا بر شما ورحمت  
وبرکات او وچنانچه به علیکم قصد کند ملائکه و مومنین جن و انس را خوبست.

## خاتمه

### در زینت‌های نماز است

زینت اول، اقبال و توجه بسوی نماز است و در آن چند حدیث است.

#### حدیث اول

از جناب شهید ثانی قدس سره در کتاب اسرار الصلوة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله قریب بدین فرمود، بدرستیکه بعضی از نمازها میباشد که نصف آن قبول میشود و بعضی ثلث آن و بعضی ربع آن و بعضی خمس آن تا عشر. و بدرستیکه بعضی از نمازها هست که مانند کهنه درهم پیچیده شده بصورت صاحبش زده میشود. و این است و جز این نیست که برای تو میباشد از نماز آنچه اقبال نمائی بقلب خود.

#### حدیث دوم

از کتاب دعائم الاسلام از حضرت ابیجعفر و ابیعبید الله علیهما الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده که فرمودند این است و غیر این نیست که برای بنده است از نمازش آن چه را که اقبال نماید بر آن پس هرگاه تمام نماز بدون اقبال و توجه انجام گیرد، درهم پیچیده شده بصورت صاحبش زده خواهد شد.

### حدیث سیم

از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة مسندا از حضرت ابیجعفر علیهما السلام نقل شده که هر سهوی در نماز طرح میشود از آن الا اینکه خدا آنرا تمام میفرماید بنوافل.

### حدیث چهارم

از جناب صدوق قدس سره در کتاب خصال از حضرت ابیجعفر علیهما الصلوة والسلام در حدیثی قریب بدین نقل شده که فرمود، علی بن الحسین علیه السلام بدرستیکه بنده قبول نمیشود از نمازش مگر آن چه را اقبال نماید بر آن بقلب خود الحدیث.

### حدیث پنجم

از دعائم الاسلام از حضرت ابیعبد الله علیه الصلوة و السلام قریب بدین نقل شده که هرگاه داخل نماز شدی پس اقبال کن بر آن چه آنکه تو هرگاه اقبال نمائی خدا نیز اقبال فرماید بر تو و هرگاه تو اعراض کنی خدا نیز اعراض فرماید از تو پس چه بسا که بالانرود از نماز مگر ثلث یا ربع یاسدس، بقدر اقبال نمازگذار بر نماز خود وعطانمیفرماید خدا بشخص غافل هیچ چیز.



### حدیث ششم

از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة مسندا از حضرت ابیجعفر علیهما الصلوة والسلام قریب باین نقل شده که هرگاه برخیزی بسوی نماز پس بر تو باد باقبال بر نماز خود، زیراکه برای تو است از نمازت آن چه راکه اقبال نمائی بر آن الحدیث.

### حدیث هفتم

از جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم الرحمة مسندا از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که در وصیت خود بحضرت امیر علیه السلام فرمود قبول نمیفرماید خدا دعای قلبی راکه سهو کننده وغافل باشد.

### حدیث هشتم

از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة مسندا از سلیمان بن عمر و از حضرت ابیعبد الله علیه الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده که میفرمود، بدرستیکه خدای عزوجل مستجاب نمیفرماید دعائی راکه از روی سهو وغفلت باشد. پس هرگاه دعایمکنی پس اقبال کن بقلب خود، پس یقین باجابت داشته باش.

### حدیث نهم

از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب دعوات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله قریب بدین نقل شده که فرمود بخوانید خدا را و حال آن که یقین

باجابت داشته باشید بدانید که مستجاب نمیفرماید دعا را از قلب لاهی یعنی غافل.

### حدیث دهم

از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة مسندا از حضرت ابی عبدالله از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده که فرمود، قبول نمیفرماید خدای عزوجل دعای قلب لاهی را.

مولف گوید، مخفی نماند که از اخبار اقبال و توجه قلب در نماز که بحد تواتر یا قریب بتواتر است کاملاً استفاده میشود که، حقیقت و ماهیت نماز همانا عبارت است از معانی و مفاهیم نه الفاظ و حروف؛ زیرا که در عین اینکه میخواهد اقبال و توجه بمعانی را بگوید موضوع و متعلق آنرا نماز قرار داده اند؛ پس معلوم میشود که حقیقت و ماهیت نماز حقایق و معانی است نه الفاظ و حروف.

واز این جا ظاهر میشود که فهم معنی و درک مفهومی بر فرض آن که در صحت نماز دخیل نباشد در قبولی آن مدخلیت دارد چه آنکه توجه و اقبال بمعانی بدون فهم و درک آن حاصل نشود و منتفی بانتفاء موضوع میباشد.

و نیز مخفی نماند که نفی قبول در این اخبار محمول بر نفی اصل آن است و حمل آن بر نفی کمال، اولاً منافی با سیاق اخبار است. خصوصاً فرمایش حضرت

صادق علیه الصلوة والسلام در آخر روایت دعائم که عطا نمیفرماید خدا بشخص غافل هیچ چیز. و فرمایش حضرت ابی جعفر و ابی عبدالله علیهما الصلوة والسلام

پس هرگاه تمام نماز بدون توجه و اقبال انجام گیرد، درهم پیچیده شده بصورت صاحبش زده خواهد شد. و فرمایش حضرت رسول صلی الله علیه و آله و بدرستیکه بعضی از نمازها هست که مانند جامه کهنه درهم پیچیده شده بصورت صاحبش زده خواهد شد. و ثانیاً محتاج بدلیل و شاهد است و شاهد و دلیل درین نیست. و پوشیده نماند که نفی قبول مساوی با نفی قرب و اجر و ثبوت است که از توابع قرب است.

### زینت دوم

آن که هرچه میگوید از روی صدق و حقیقت و اخلاص باشد و در آن چند روایت است.

### روایت اول

از جناب قطب راوندی رحمه الله در کتاب قصص الانبیاء علیهم الصلوة والسلام مسنداً از حضرت ابیعبد الله علیه السلام قریب بدین نقل شده که، در بنی اسرائیل مردی بود که سی و سه سال دعا نمود و از خداوند متعال پسری خواست و اجابت نشد. پس عرض کرد پروردگارا آیا من از تو دورم و از من نمیشنوی، یا تو بمن نزدیکی و اجابت نمیفرمایی. پس شخصی در عالم رویا بدو گفت، جهت آنست که دعا میکنی بازبان فحش گو و قلب وسینه تنگ و بدخلق و سرکش که تقوی در آن نیست و بانیت غیر صادقه.

پس دست از فحش گویی بردار و تقوی رادر دل خود جای ده و بایستی نیت خود را نیکو کنی. پس آنمرد چنین نموده پس از آن دعا کرد و خداوند عالم بوی پسری عنایت فرمود.

### روایت دوم

از جناب هشام بن سالم رحمه الله از حضرت صادق علیه الصلوة و السلام بنا بروایت جناب شیخ مفید علیه الرحمة قریب بدین نقل شده که فرمود بدرستیکه هر گاه بنده بخواند خدای تبارک و تعالی را با نیت صادقه و قلب مخلص و وفاء بعهد خدا دعایش را مستجاب خواهد فرمود.

### روایت سیم

از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب دعوات از حضرت صادق علیه الصلوة و السلام قریب باین نقل شده که فرمود کسیکه صلوات بفرستد بر پیغمبر یکمرتبه از روی صدق و اخلاص خدا صد حاجت او را برآورد سی حاجت در دنیا و هفتاد حاجت اخروی. و خود پیغمبر صلی الله علیه و اله فرمود کسیکه در هر یک از شب و روز سه مرتبه صلوات بفرستد بر من از روی دوستی و شوقی که بمن دارد حق است بر خدای عزوجل که گناه آن شب و روز او را بیامرزد.

### روایت چهارم

از کتاب عیون از حضرت رضا از آباء گرامش از حضرت رسول صلی الله علیه و اله قریب بدین نقل شده که اشهد ان لا اله الا الله کلمه عظیمه و کریمه ایست

بر خدای عزوجل، کسیکه بگوید آنرا از روی اخلاص و حقیقت مستوجب بهشت گردد و کسیکه بگوید آنرا کاذبا مال و دم او معصوم است یعنی محفوظ است و لکن بازگشت او بسوی آتش است.

### روایت پنجم

از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة مسندا از حضرت ابیجعفر علیهما الصلوة والسلام قریب باین نقل شده که فرمود، توبه کننده از گناه مانند کسی میباشد که گناه نکرده. و مقیم بر گناه که استغفار کند مانند استهزاء کننده است.

### روایت ششم

از جناب شیخ مفید علیه الرحمة در کتاب اختصاص مسندا از جناب هشام بن سالم علیه الرحمة قریب باین نقل شده که عرض کردم بحضرت صادق علیه السلام، یا بن رسول الله (ص) چه شده است مومن را که هرگاه دعا میکند بسا هست که مستجاب نمیشود برای او و حال آنکه خداوند عزوجل فرموده، و قال ربکم ادعونی استجب لکم. پس حضرت فرمود بدرستی که بنده هرگاه بخواند خدای تبارک و تعالی رابنیه صادقة و قلب مخلص مستجاب میشود برای او بعد از وفای بعهده خدای عزوجل الحدیث.

### روایت هفتم

از کتاب عیون از حضرت رضا از اباء گرامش از حضرت رسول صلی الله علیه وآله از خدای تعالی قریب باین نقل شده که فرمود لا اله الا الله حصن من

میباشد، کسیکه بگوید آن را از روی اخلاص و قلبش همراه باشد داخل شده حصن مرا و کسیکه داخل شود حصن مرا ایمن خواهد شد از عذاب من.

### روایت هشتم

از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة مسندا از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام نقل شده که در حدیثی فرمود، واستغفار کننده از گناه و حال آنکه بجا میآورد آنرا، مانند کسی است که استهزا کند پروردگار خود را.

### روایت نهم

از جناب حسن ابن علی بن شعبه در کتاب تحف العقول از جناب کمیل بن زیاد علیهما الرحمة قریب بدین نقل شده که بحضرت امیر علیه الصلوة والسلام عرض نمود که بنده گناه میکند، پس از خدا طلب آمرزش میکند. حضرت فرمود یا بن زیاد، توبه میکند. عرض کرد نه. حضرت فرمود درست نیست. عرض نمود پس چه بکند. فرمود بدرستی که بنده هرگاه گناه کند، بگوید استغفرالله از روی حقیقت. گفت از روی حقیقت یعنی چه. حضرت فرمود، تصدیق قلب و در خاطر داشتن این که بازگشت نکند بسوی آن گناهی که از آن طلب آمرزش نموده الحدیث.

### روایت دهم

از کتاب مصباح الشریعه از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام نقل شده که در حدیثی قریب باین فرمود، هرگاه روی بقبله میایستی، پس فراموش کن دنیا

وهر چه در آن هست وخلق را آنچه ایشان در آن میباشند وفارغ کن قلب خود را از هر شاغلی که مشغول میکند تورا از خداو بچشم باطن بین عظمت وبزرگی خدا راو یادکن وقوف خود را درمحضر مقدس اودر آن روزیکه هرنفسی بآن چه پیش فرستاده میرسد وروزی که خلق برمیگردند بسوی خدا. وبايست برقدم خوف ورجاء وچون تکبير ميگويي پس کوچک بشمار آن چه راکه بين آسمان وزمين است در جنب کبرياء خدا چه آنکه خدايتعالی هرگاه مطلع شود برقلب بنده درحاليکه تکبير ميگويد و حقتعالی را بيزرگتري یاد میکند ودر قلب او عارضی باشد از حقيقت تکبيرش، یعنی غير خدا درنظرش مهمتر باشد ميفرمايد، ای دروغگو آیا خدعه میکنی بامن. بعزت وجلال خودم سوگند که هرآينه البته محروم میکنم تورا از حلاوت وشيريني ذکر وياد خودم وهرآينه البته محجوب ميسازم تورا از قرب بخودم الحديث.

مولى گويد، مخفى نماند که حقيقت داشتن آنچه ميگويد يعنى موافقت دل بازبان درآنچه ميگويد. بعلاوه آن که زينت نماز بلکه زينت دعا و ذکر وزيارت ميباشد،

شرط قبولی آن نیز هست یعنی بدون آن قبول نخواهد شد و براثر قبول نشدن مقرب نیز واقع نمیشود و اجر و ثوابی نخواهد یافت.

ونيز پوشيده نماند که تحقق اين زينت هم متوقف بر فهم معنی ودرک مفهوم است وبدون آن منتفی بانتفاء موضوع خواهد بود پس فهم معنی و درک مفهوم

بفرض که درصحت نماز داخل نباشد در قبولی آن دخیل است پس نیک تامل و تدبر کن.

و پوشیده نماند که از اخبار توجه و اقبال که درزینت اول ذکر شد کاملاً استفاده میشود که باب ادعیه و اذکار زمینه فهم معنی و درک مفهومست.

و از اخبار صدق و اخلاص که در زینت دوم بیان شد نیز کاملاً مستفاد میگردد که زمینه، زمینه فهم و قصد معنی آن است بطوریکه گویا این مطلب مفروغ عنه بوده و محتاج بتذکر و یادآوری نیست زیرا با وجود آنکه توجه و اقبال بسوی معانی و مفاهیم که مطلوب و مندوب الیه است، بی فهم و ادراک آن حاصل نمیشود.

و صدق و اخلاص بدون علم بمعنی و قصد آن تحقق پیدا نمیکند. مع ذالک نامی و نشانی از فهم معنی و نیت دربین نیست. و از این جا ظاهر گردید جواب کسیکه بگوید، اگر فهم معنی و قصد آن در ادعیه و اذکار لازم میبود هرآینه میفرمودند و اشاره بدان میکردند.

پس چون نگفتند و اشاره بدان نکرده اند معلوم میشود که لازم نیست. ملخص جواب آن است که بفرض که فهم معنی و قصد آن درصحت نماز دخل ندارد، در قبولی آن مدخلیت دارد.

پس اگر مفروغ عنه نمیبود و احتیاج بتذکر میداشت، هرآینه در این دو باب که توجه و اقبال و صدق و اخلاص باشد بایستی بدان اشاره میکردند.



و حال آنکه اشاره نکرده اند. پس معلوم میشود که تذکر ندادن بواسطه عدم احتیاج بآنست نه بجهت عدم دخل آن و سر عدم احتیاج آنست که مخاطبین معنی را میفهمیده اند پس محتاج بالزام فهم معنی نبوده اند و با فهم معنی اشاره بلزوم قصد آن بیجا و بیموقع است چه آنکه با فهم بالطبع یعنی بطور معمول قصد نیز هست پس محتاج بالزام نیست.

بهر حال، اگر ما ذهن خود را از بعض ارتکازیات که از جمله آن عدم لزوم فهم معنی و درک مفهوم میباشد و برخی از اصطلاحات که از آن جمله است اطلاق قل ها و تقول ها پاک نمائیم و در این مسئله که آیا محل بحث و موضوع کلام در باب ذکر و دعا، ذکر و دعای بافهم معنی و قصد آنست یا فقط اجراء الفاظ و حروف آنست. بر زبان خود راجاهل و نادان فرض کنیم پس از آن برای بدست آوردن حقیقت امر و رسیدن بآن مراجعه کنیم بحدیث و قرآن. کاملاً خواهیم فهمید که در باب دعا و ذکر زمینه، زمینه فهم معنی و قصد آنست، نه جاری ساختن لفظ و حرف بر زبان. و همچنین در باب قرآن نیز موضوع بحث و محل کلام قرآن با فهم معنی و درک مطلب است و قرآن بی فهم و درک بکلی از محل کلام و مورد بحث خارج است. پس نیک تامل کن.

## زینت سیم

اذان و اقامه و در آن چند روایت است

### روایت اول

از جناب محمد بن علی بن الحسین مسند از جناب مفضل بن عمر علیهم الرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده که، کسیکه با اذان و اقامه نماز خود را بخواند دو صف از ملائکه عقب سر او نماز میخوانند. و کسیکه با اقامه تنها نماز بخواند یک صف از ملائکه با او نماز میخوانند. عرض کردم هر صفی چقدر است فرمود اقل آن ما بین مشرق و مغرب و اکثر آن ما بین آسمان و زمین.

### روایت دوم

از جناب شیخ مفید علیه الرحمة در کتاب مقنعة نقل شده که میفرماید و روایت شده از صادقین یعنی ائمه علیهم السلام که فرموده اند کسیکه اذان و اقامه بگوید دو صف از ملائکه پشت سر او نماز میخوانند و کسیکه باقامه تنها اکتفا کند یک صف با وی اقتدا نمایند.

### روایت سیم

از ثواب الاعمال نقل شده که میفرماید و روایت شده که کسیکه نماز خود را با اذان و اقامه بخواند دو صف از ملائکه با او نماز میخوانند و کسیکه نماز بخواند

با اقامه بدون اذان یک صف با او نماز میخوانند و اندازه صف مابین مشرق و مغرب است.

### **زینت چهارم**

خواندن نماز است در اول وقت و در آن چند روایت است.

### **روایت اول**

از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة مسندا از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده که هر آینه فضیلت وقت اول بروقت آخر بهتر است برای مرد از مال و اولاد.

### **روایت دوم**

از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة مسندا از حضرت ابی عبدالله علیه الصلوة والسلام قریب باین نقل شده بدرستیکه فضیلت اول وقت بر آخر آن مانند فضیلت آخرتست بر دنیا.

### **روایت سیم**

از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة مسندا از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که در حدیثی قریب بدین فرمود بدرستیکه اول چیزی که از بنده پرسش میشود و حساب کرده میشود نماز است. پس اگر قبول شد باقی اعمال قبول میشود بدرستیکه هر گاه در اول وقت بالا برود بر میگردد بسوی صاحبش در حالتیکه نورانی باشد و درخشان و بصاحبش میگوید مرا

حفظ نمودی خدا ترا حفظ نماید و هر گاه در غیر وقتش بدون حدودش بالا رود بر میگردد بسوی صاحبش در حالیکه سیاه و تاریک باشد و بصاحب خود گوید مرا ضایع نمودی خدا ترا ضایع کند.

### روایت چهارم

از جناب محمدبن علی بن الحسین علیهم الرحمة نقل شده که میفرماید حضرت صادق فرمود اول وقت رضوان و خشنودی خدا است. و آخر وقت عفو خداست و عفو نمیباشد مگر از گناه.

### روایت پنجم

از جناب علی بن ابراهیم علیهما الرحمة در تفسیرش از حضرت ابی‌عبدالله علیه الصلوة والسلام در قول خدایتعالی فویل للمصلین الذینهم عن صلوتهم ساهون، نقل شده که فرمود تاخیر نماز است از اول وقت آن بدون عذر.

### زینت پنجم

بجا آوردن نماز است در مساجد و در آن چند روایت است.

### روایت اول

از جناب شیخ صدوق علیه الرحمة در کتاب معانی الاخبار مسندا از حضرت رسول صلی الله علیه وآله قریب بدین نقل شده که اعرابی چند چیز از آن حضرت سؤال نمود از آن جمله، از بهترین بقاع زمین و بدترین بقعه های آن. پس آن حضرت پس از آنکه جبرئیل علیه السلام آمد و خبر داد بآن مرد،

فرمود بدترین بقعه های زمین بازارها میباشد و بازار میدان ابلیس است صحیح علامت و پرچم خود را میآورد و کرسیش را میگذارد و ذریه و اولاد خود را در بازار پهن میکند پس بعضی از بازاریان را وادار میکنند بکم فروشی در مکیل و موزون و مذروع و بعضی را وادار مینمایند بدروغ در معامله.

پس میگوید باولادش بر شما باد بمردی که پدرش مرده و یتیم شده و حال آنکه پدر شما زنده است پس پیوسته هست با اول کسیکه داخل بازار میشود و آخر کسیکه بر میگردد بخانه خود.

پس فرمود و بهترین بقاع زمین مساجد است و دوست ترین اهل آن بسوی خدایتعالی کسی است که زود تر از همه داخل مسجد میشود و از همه دیرتر خارج میگردد الحدیث.

مؤلف گوید ازاین جهت است که حضرت امیر علیه الصلوة والسلام بروایت ابراهیم بن محمد الثقفی علیه الرحمة در کتاب غارات بیرون میآید بسوی بازار در حالیکه دره یعنی تازیانه همراه داشت. پس میفرمود من پناه میبرم بتو از فسوق و از شر این بازار.

### روایت دوم

از کتاب عقاب الاعمال مسندا از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده کسیکه برود بسوی مسجدی از مسجدهای خدا پس برای او خواهد بود بهر

قدمی که بر میدارد ده حسنه و محو میشود ده سیئه و بلند میشود برای او ده درجه.

### روایت سیم

از کتاب جامع الاخبار از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که بیست خصلت است که موجب فقر میشود تا آنکه فرمود، و تعجیل در بیرون آمدن از مسجد.

### روایت چهارم

از جناب جعفر بن احمد قمی علیه الرحمة در کتاب غایات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله قریب بدین نقل شده که بهترین مردم کسی است که زودتر داخل مسجد شود و دیرتر خارج گردد.

### روایت پنجم

از جناب شیخ صدوق علیه الرحمة در کتاب هدایة از حضرت رسول صلی الله علیه وآله قریب بدین نقل شده که در توریة مکتوبست بدرستیکه خانه های من در زمین مساجد است پس خوشا حال کسی که در خانه خود طهارت کند ، پس از آن زیارت کند مرا در خانه ام. آگاه باش یا آگاه باشید بدرستیکه بر مزور است گرامی داشتن زائر.

## **زینت ششم**

خواندن نماز است با جماعت و در آن چند روایت است

### **روایت اول**

از جناب صدوق علیه الرحمه در کتاب خصال مسندا از حضرت ابیعبد الله از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده که فرمود، مروت در حضر چهار چیز است، اول قرائت قرآن، دوم مجالست علما، سیم نظر در فقه، چهارم محافظت بر نماز جماعت.

### **روایت دوم**

از جناب شهید قدس سره در کتاب نفلیه از حضرت رسول صلی الله علیه وآله قریب باین نقل شده که نماز با جماعت اگر چه بر سر زج باشد. مولف گوید زج عبارت است از سرآهنی که پایین نیزه میباشد.

### **روایت سیم**

از جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم الرحمه مسندا از حضرت رسول صلی الله علیه وآله قریب بدین نقل شده که، کسیکه برود بسوی مسجدی برای نماز جماعت خواهد بود برای او بهر قدمی هفتاد هزار حسنه و بلند شود برای او از درجات مانند آن، پس اگر در آن حال بمیرد موکل فرماید خدا براو هفتاد هزار ملک که عیادت کنند او را در قبرش و بشارت دهند او را و انس بگیرند با او در تنهائیش و طلب مغفرت نمایند برای او تا وقتیکه مبعوث گردد.

### روایت چهارم

از جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم الرحمة در کتاب مجالس مسندا از حضرت رسول صلی الله علیه وآله در حدیثی قریب باین نقل شده که فرمود، بدرستیکه صفوف امت من مانند صفوف ملائکه است. و یک رکعت نماز در جماعت بیست و چهار رکعت است و هر رکعتی دوست تر است بسوی خدای عزوجل از عبادت چهل سال.

### روایت پنجم

از جناب محمد بن الحسن علیهما الرحمة مسندا از حضرت رسول صلی الله علیه وآله قریب بدین نقل شده که کسیکه نمازهای پنجگانه را در جماعت بخواند پس گمان کنید درباره او خیر را.

### زینت هفتم

در تعقیب است، از جمله تعقیبات تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله وسلامه علیها است. و اخبار در فضل آن بسیار است و مابذکر چند روایت اکتفا میکنیم.

### روایت اول

از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة مسندا از جناب محمد بن مسلم رحمه الله تعالی از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده، کسیکه بگوید تسبیح فاطمة علیها السلام را پس از آن استغفار کند آمرزیده



شود و این تسبیح صد است بزبان و هزار است در میزان و دور میکند شیطان را و خوشنود مینماید رحمن را، یعنی خدای تعالی را.

### روایت دوم

از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة مسندا از ابی هرون مکفوف از حضرت صادق علیه الصلوة و السلام قریب بدین نقل شده که فرمود، یا ابا هرون بدرستیکه ما امر میکنیم بچه های خود را بتسبیح فاطمة علیها السلام هم چنانکه امر میکنیم ایشان را بنماز، پس مواظبت کن برآن و ملازم آن باش، زیرا که ملازم نمیشود آنرا بنده پس شقی و بدبخت شود.

### روایت سیم

از جناب محمد بن یعقوب مسندا از ابی خالد قماط علیهم الرحمة از حضرت ابیعبده الله علیه الصلوة و السلام قریب بدین نقل شده که فرمود، تسبیح فاطمة علیها السلام هر روز بعد از هر نماز دوست تر است بسوی من از هزار رکعت نماز هر روز.

### روایت چهارم

از جناب سید علی بن طاوس علیهما الرحمة در فلاح السائل مسندا از حضرت ابیعبده الله علیه الصلوة و السلام قریب بدین نقل شده که میفرمود، کسیکه تسبیح کند بتسبیح فاطمة سلام الله علیها در عقب نماز واجب پیش از آن که پهن کند پاهای خود را واجب فرماید خدا برای او بهشت را.

مؤلف گوید شاید مراد از پهن کردن پاها تغییر دادن جلوس باشد.  
 واز جمله تعقیبات آیه الكرسي است.

چنانچه از جناب عبد الله بن جعفر علیهما الرحمة در کتاب قرب الاسناد مسندا از حضرت رسول صلی الله علیه و اله قریب بدین نقل شده که به حضرت امیر علیه الصلوة والسلام فرمود یا علی بر توباد بتلاوت آیه الكرسي در عقب صلوة مکتوبه چه آن که محافظت نکند بر آن مگر پیغمبر یا صدیق یا شهیدی.

واز زمره تعقیبات استغفاری میباشد که از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة مسندا از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة والسلام نقل شده که قریب بدین فرمود، کسیکه سه مرتبه بگوید بعد از نماز فریضه قبل از آن که هیئت جلوس را تغییر بدهد، استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القيوم ذوالجلال و الاکرام و اتوب الیه؛ بیامرزد خدا گناهان وی را ولو مثل کف دریا باشد یعنی در زیادی و معنی آن، آن است که طلب آموزش میکنم خدایی را که نیست خدایی جز ذات مقدس او که حی و قیوم و صاحب جلال و اکرام است و بازگشت میکنم بسوی او.

از جمله **تعقیبات** قرائت سوره مبارکه قل هو الله احد است.

چنانچه از جناب محمد بن علی بن الحسین علیهم الرحمة در کتاب ثواب الاعمال مسندا از حضرت ابی عبد الله علیه الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده که فرمود کسیکه ایمان بخدا و روز قیامت آورده پس ترک نکند خواندن قل

هو الله احد را در عقب نماز فریضه. زیرا کسیکه تلاوت کند آنرا جمع فرماید خدا برای او خیر دنیا و آخرت را و پیامرزد پدر و مادر و اولاد او را.

و از جمله تعقیبات این است، اللهم صل علی محمد وال محمد واجرنی من النار وادخلنی الجنة و زوجنی من الحور العین، یعنی خدایا رحمت و درود فرست بر محمد وال محمد(ص) و پناه ده مرا از آتش و داخل گردان مرا در بهشت و تزویج فرما بمن از حور العین. چنانچه از کتاب جعفریات مسندا از حضرت رسول صلی الله علیه واله قریب باین نقل شده که فرمود، چهار چیز است که قرار داده شده اند شفیعان اول بهشت، دوم آتش جهنم، سیم حور العین، چهارم ملکی که نزد سر من میباشد در قبر پس هرگاه بگوید بنده از امت من خدایا تزویج فرما مرا از حور العین، حوریان گویند خدایا تزویج فرما ما را باو.

و چون بگوید خدایا پناه ده مرا از آتش، آتش گوید خدایا پناه بده او را از من. و هرگاه بگوید خدایا از تو سوال میکنم بهشت را، بهشت گوید خدایا ببخشای مرا باو و هرگاه بگوید، اللهم صل علی محمد وال محمد، ملکی که در قبر نزد سر من میباشد گوید یا محمد(ص) بدرستی که فلان پسر فلان صلوات فرستاد بر تو پس بگویم خدا بروی صلوات بفرستد همچنانکه او بر من صلوات فرستاد. و از جمله تعقیبات آن که صد مرتبه بعد از نماز صبح بگوید.

بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم. چنانچه از جناب سید علی بن طاوس علیهما الرحمة در کتاب مهج الدعوات مسندا از حضرت

رضا علیه الصلوة و السلام قریب بدین نقل شده که فرمود کسبیکه بعد از نماز فجر صد مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم. خواهد بود نزدیکتر باسم اعظم خدا از سیاهی چشم بسفیدی آن و بدرستیکه همانا داخل شود در او اسم اعظم خدا.

و از جمله تعقیبات است آن چه از جناب محمد بن الحسن علیهما الرحمة مسندا از حضرت رسول صلی الله علیه و اله در حدیثی نقل شده که بمردی که او را شبیه الهذیل میگفتند فرمود قریب بدین که میگوئی بعد از هر نماز فریضه اللهم اهدنی من عندک و افض علی من فضلک و انشر علی من رحمتک و انزل علی من برکاتک، پس از آن فرمود آگاه باشید اگر این مرد بیاورد این عمل را روز قیامت در حالتیکه وانگذاشته باشد آنرا متعمدا باز خواهد نمود برای او هشت در بهشت را که از هر در که بخواهد وارد شود.

و از جمله تعقیبات است آنچه از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة مسندا از جناب زرارۀ از حضرت ابی جعفر علیه الصلوة و السلام نقل شده که قریب بدین فرمود، کمتر چیزیکه مجزیست ترا از دعا بعد از فریضه آنستکه بگویی اللهم انی اسئلك من کل خیر احاط به علمک و اعوذ بک من کل شر احاط به علمک اللهم انی اسئلك عافیتک فی اموری کلها و اعوذ بک من خزی الدنیا و عذاب الاخرة، یعنی خدایا من سوال میکنم از تو از هر خیری که احاطه دارد بآن علم تو و پناه میبرم بتو از هر شری که احاطه دارد بآن علم تو خدایا من

سوال مینمایم از تو عافیت را در تمام امور خود و پناه میبرم بتو از خزی دنیا و عذاب آخرت.

و از جمله تعقیباتست آنچه از جناب محمد بن یعقوب علیه الرحمة مسندا از حضرت ابیعبد الله علیه الصلوة و السلام نقل شده که میفرمود جبرئیل آمد بسوی یوسف علیه السلام در وقتیکه در زندان بود پس عرض نمود یا یوسف بعد از هر نماز بگو، اللهم اجعل لی من امری فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث احتسب و من حیث لا احتسب، یعنی خدایا قرار ده برای من از امری که در آن هستم فرج و مخرجی یعنی راه بیرون شدمی. خدایا روزی ده مرا از آنجائیکه گمان دارم و از آن جائیکه گمان ندارم.

و از جمله تعقیباتست آنچه از جناب علامه کراچکی علیه الرحمة در کتاب کنزالفوائد مسندا از انس بن مالک نقل شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعد از نماز میگفتند، اللهم انی اعوذبک من علم لا ینفع و قلب لا یخشع و نفس لا تشبع و دعاء لا یسمع اللهم انی اعوذبک من هولاء الاربع. یعنی خدایا من پناه میبرم بذات قدوس تو از علمیکه نفع نبخشد و قلبیکه خاشع نباشد و نفسیکه سیر نشود و دعائیکه شنیده نشود، خدایا من پناه میبرم بتو از این چها چیز.

## تذكرة

چون موضوعیکه در این وجیزه محل بحث قرار داده شده بسیار مهم و احیاء کتب ادعیه و اذکار و زیارات، بلکه احیاء ثلث فقه تقریبا بسته بآنست. واذهان را با آن آشنایی کامل نیست لهذا تذکر داده میشود که هر قسمتی از آن که تاریک و مورد شبهه باقی ماند کتبا از مولف توضیح بخواهند.

قد وقع الفراغ من تسويد هذه الاوراق في ليلة الجمعة العشرين من شهر ذي القعدة الحرام بحسب النجوم من شهر سنة ۱۳۷۵ وانا الاقل محمد بن مرتضى الجنابدى اصلا و المشهدى مولدا و مسكنا.

## ملحقات

مربوط به صفحه ۳۳-تنبيه

از تفسیر حضرت عسکری علیه الصلوة والسلام قریب بدین نقل شده که در حدیثی فرمود که عبدالله بن یحیی بحضرت امیر علیه السلام عرض نمود، یا امیر المومنین تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم چیست. حضرت فرمود بنده چون بخواهد قرائت قرآن کند یا کاری انجام بدهد میگوید بسم الله الرحمن الرحیم یعنی باین اسم بجا میآورم این کار را الحدیث.

مؤلف گوید که از این روایت و بعضی از روایات دیگر که در تفسیر و معنای بسم الله نقل شده کاملاً استفاده میشود که این کلام، کلامی است که ما از قول خودمان میگوئیم نهایت بتعلیم خود خداوند عالم نه آنکه کلام خدا باشد، مانند باقی قرآن و ما آنرا بعنوان نقل قول و بقصد حکایت بگوئیم و بخوانیم و ظاهر خود بسملة نیز حاکم است بهمین مطلب.

تنبيهات مربوط بصفحه ۳۵

### تنبيه اول

از حضرت عسکری علیه الصلوة والسلام و از جناب شیخ صدوق از حضرت امیر علیه الصلوة والسلام در حدیثی قریب بدین نقل شده که فرمود شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وآله که میفرمود خدای عزوجل فرموده است که

سوره حمد را قسمت نموده ام بین خود و بنده خود پس نصف آن برای من است و نصف آن برای بنده من و برای بنده من است آنچه سوال نماید. مولف گوید، که نصفی که برای خدای تعالی است از اول سوره است تا اهدنا و نصفی که برای بنده است از اهدنا است تا آخر سوره. پس حضرت فرمود چون بنده بگوید بسم الله الرحمن الرحیم خداوند عالم بفرماید ابتداء نمود بنده من باسم من حق است بر من که تمام کنم برای او امورش را و مبارک گردانم برای او در احوالش.

پس چون بگوید الحمد لله رب العالمین خدای عزوجل بفرماید حمد کرد مرا بنده من و دانست که نعمت هایی که در دسترس دارد از نزد من است و بلاها و گرفتاریهایی که از او دفع میشود بلطف و مرحمت من است گواه میگیرم شما را که اضافه خواهم نمود برای او نعمتهای آخرت را بر نعمتهای دنیا و برطرف مینمایم از او بلاهای آخرت را چنانچه برطرف نمودم از او بلاهای دنیا را.

پس چون بگوید الرحمن الرحیم خدای عزوجل فرماید شهادت داد بنده من که من رحمن و رحیمم شاهد میگیرم شما را که فراوان قرارخواهم داد، البته از رحمت خود بهره او را و هرآینه بسیار و بزرگ قرار خواهم داد برای او عطا و بخشش خود را.

پس چون بگوید مالک یوم الدین، حقتعالی فرماید شاهد میگیرم شما را همچنانکه بنده من اعتراف نمود باینکه من مالک و صاحب اختیار روز جزا



میباشم هرآینه البته آسان خواهم نمود درروز حساب، حساب او را وهر آینه البته سنگین قرار خواهم داد حسنات او را و هر آینه البته درخواهم گذشت از سیئات و بدیهای او. پس چون گوید ایاک نعبد خدای عزوجل بفرماید راست گفت بنده من مرا عبادت میکند هرآینه ثواب خواهم داد او را از عبادتش ثوابی که غبطه ببرد او را هر کس که مخالف اوست در عبادتش برای من.

پس چون گوید و ایاک نستعین خدای عزوجل فرماید بمن استعانت جست و بسوی من ملتجی و پناهنده شد، شاهد میگیرم شما را هرآینه البته یاری خواهم نمود او را برامرش و درشدائد بفریاد وی خواهم رسید و هرآینه البته در روز قیامت در سختیها دست او را خواهم گرفت.

و چون گوید اهدنا الصراط المستقیم تا آخر سوره خدای عزوجل فرماید این از برای بنده من است و برای بنده من است آنچه را که سوال نمود بتحقیق که مستجاب نمودم برای بنده خود و عطا کردم باو آنچه را که آرزو داشت و درامان قرار دادم او را از آنچه از آن ترس داشت.

مؤلف گوید، آنچه را که بنده سوال میکند و آرزوی آن را دارد هدایت براه راست است و آنچه را که از آن میترسد هدایت براه مغضوب علیهم و راه ضالین است.

و نیز بعلاوه حکومت ظاهر خود سوره مبارکه از این روایت و روایات دیگر که در تفسیر و شرح این سوره مبارکه نقل شده کاملاً استفاده میشود که این سوره

مبارکه جملاتی است که بایستی ما با آن با حقتعالی مناجات کنیم و حرف بزیم نهایت بتعلیم خود خداوند عالم نه آنکه کلامی باشد مانند باقی قرآن که خدای تعالی با کسی تکلم فرموده و حرف زده باشد و ما آنرا بقصد حکایت و عنوان نقل قول خداوند عالم بگوئیم و قرائت نمائیم و اشکالیکه در این مقام در بین هست از جهت تنافی بین قصد معنی و نیت قرآنیت بحمد الله و المنة در کتاب الهادی بطرز تازه برطرف گردیده.

### تنبیه دوم

توحید جوهریست نفیس و گوهری گرانبها که قسمت بزرگی از قرآن مجید را بخود توجه داده و در آن قسمت محل بحث و مورد مذاکره قرار گرفته و توحید را مراتب چندی است که دو مرتبه آن را جمله ای یک نعبد وایک نستعین در بردارد یکی توحید در مقام عبادت و دیگر توحید در مقام یاری و کمک خواستن و بایستی نماز گذار در گفتن ای یک نعبد و ای یک نستعین صادق و راستگو باشد باینکه متابعت و پیروی نکند جز فرمان و دستور حقتعالی را و کمک و یاری نخواهد از غیر خدایتعالی را و الا مانند کسی باشد که العیاذ بالله استهزاء نموده باشد پروردگار خود را چه آنکه از یک طرف اطاعت و پیروی میکند از غیر خدایتعالی که شیطان و هوی و هوس و خلق باشد و توسل میجوید در انجام مقاصد خود بخلق و از طرف دیگر میگوید ای یک نعبد و

ایک نستعین واین جور ایک نعبد و ایک نستعین گفتن بعلاوه آنکه مقرب نیست، مبعده خواهد بود.

### تنبيه سیم

هدایت و راهنمایی که ما بگفتن اهدنا الصراط المستقیم از خداوند عالم جل شانہ میخواستیم مطلبی است بسیار بزرگ که اگر خداوند متعال اجابت فرماید یعنی ما را هدایت فرماید براه راست و درست و ما هم قبول هدایت کنیم نتیجه و ثمره آن راه یافتن بسوی بهشت و دار عزت و جلال است و این هدایت یا بوسیله حجت باطنی است که عقل و وجدان باشد و یا بواسطه حجت ظاهری که پیغمبر است و نماز گذار در گفتن اهدنا الصراط المستقیم باید باحقیقت باشد و نشانه آن آنستکه هر راهیکه حق تعالی پیش پای او میگذارد بوسیله کتاب آسمانی یا پیغمبر یا عقل و وجدان بهمان راه برود والا این گفتار از او حقیقت نخواهد داشت و استهزاء پروردگار خواهد بود زیرا که از یک طرف طالب هدایت و درخواست راه نمائی از خداوند عالم جل شانہ مینماید و از جانب دیگر هدایت و راهنمایی حق تعالی را قبول نمیکند و تحویل نمیگیرند و این طور گفتار بعلاوه آنکه مقرب نیست و بنده را بخداوند عالم نزدیک نمیکند مبعده باشد و نماز گذار را از حق تعالی دور میکند.

و شاهد بر اینکه گفتار دروغ و بی حقیقت عیاذا بالله استهزاء پروردگار عالمیان است روایتی است که از جناب محمدبن یعقوب علیه الرحمة مسندا از حضرت رضا علیه الصلوة و السلام نقل شده که در حدیثی قریب بدین فرمود و استغفار کننده از گناه و حال آنکه آنرا بجا میآورد مانند کسی است که استهزاء کرده پروردگار خود را.

#### مربوط بصفحه ۳۶- **تنبيه**

تشریح کذالک الله ربی و امثال آن از صیغ مختلفه بعد از سوره مبارکه توحید برای آنستکه تصدیق باشد بمضمون این سوره مبارکه و این غرض بگفتن این ذکر حاصل نشود مگر با فهم معنی و قصد آن، بلکه برای تحقق این مقصود که تصدیق باشد بمضمون سوره فهم معنای سوره و درک مطلب آن نیز لازم است چه آنکه بدون فهم و درک بر فرض که تصدیق حاصل شود تصدیق بلا تصور خواهد بود و از اینجا ظاهر و هویدا گردید که محل بحث در قرائت قرآن مجید قرائت با فهم معنی و درک مطلب است و قرائت بی فهم و درک از محل بحث بیرونست هم چنانکه مورد مذاکره درباب دعا و ذکر، دعا و ذکر بافهم معنی و قصد آنست و ذکر و دعای بدون فهم و قصد از مورد مذاکره خارج و بان غیر مربوط است.

مربوط بصفحه ۳۶ - **تنبيه**

بدانکه مستحب است برای نمازگذار حمد و ستایش نمودن حق تعالی بعد از گفتن *سمع الله لمن حمده* بهر صیغه از صیغ آن که باشد و *اخصر صیغ آن الحمد لله* است و وجه استحباب آن است که دعائیکه بگفتن *سمع الله لمن حمده* میکند شامل حال خود او نیز بشود و این مقصود حاصل نمی شود مگر با فهم و ادراک معنای *سمع الله لمن حمده* و قصد آن و همچنین در *الحمد لله* و باقی صیغ حمد و شاهد بر اینکه *سمع الله لمن حمده* دعا است، روایتی است که از بحار از کتاب *علل تالیف جناب محمد بن علی بن ابراهیم* از حضرت *امیر علیه الصلوة و السلام* نقل شده که در حدیثی قریب بدین فرمود قول نمازگذار *سمع الله لمن حمده* از اعظم کلماتست و برای آن دو وجه است، یک وجه معنای آن *سمع* است و وجه دوم دعا میکند برای کسیکه حمد و ستایش میکند خدا را پس میگوید *خدایا بشنو از کسیکه حمد میکند تو را* و روایتی که از جناب *محمد بن یعقوب* علیه *الرحمة مسندا* از جناب *مفضل بن عمر* رحمه *الله* نقل شده که عرض کردم خدمت *ایعبد الله* علیه *السلام* فدایت شوم *تعلیم* نمای بمن *دعاء* جامعی را، پس حضرت فرمود *حمد کن خدا* راجه آنکه هیچ نمازگذاری نیست مگر آنکه دعا میکند برای تو میگوید *سمع الله لمن حمده*.

مربوط بصفحه ۳۷ - **تنبيه**

از جناب محمدبن ادریس قدس سره در آخر کتاب سرائر مسندا از حضرت ابیعبد الله علیه الصلوة و السلام قریب بدین نقل شده که حضرت امیر علیه الصلوة و السلام برأت و بیزاری می جست از عقیده طائفه قدریه در هر رکعت و میفرمود، بحول الله و قوته اقوم واقعد در کتاب مجمع البحرین قریب بدین میفرماید که مفهوم از کلام ائمه علیهم الصلوة و السلام آنستکه مراد از جبریه اشاعره میباشند و از قدریه معتزله، چه آنکه ایشان خود را شهرت داده اند بانکار رکن عظیمی از دین و آن آنستکه جمیع حوادث بقدرت و قضای خدای تعالی است و گمان نموده اند که بنده پیش از فعل قدرت و استطاعت تامه دارد بر فعل یعنی فعل بنده متوقف نیست بر تجدد فعلی از افعال خدایتعالی و اینست معنای تفویض، یعنی خدای عزوجل واگذار نموده بسوی خلق افعال ایشان را الخ.

مؤلف گوید، مقصود از نقل این روایت شریفه من جمله آنستکه بدانکه بنا و اساس در اقوال و گفتارهای نماز بر اظهار ما فی الضمیر و ابراز ما فی القلب است نه جاری کردن یک الفاظ و حروفی بر زبان، و روشن است که برأت و بیزاری از معتقد طایفه مفوضه حاصل نمیشود بگفتن بحول الله و قوته اقوم و اقعد مگر با فهم معنی و قصد آن

**مربوط بصفحه ۴۴ - تنبیه**

اخباریکه میفهماند که نمازهای نافله جبران و تلافی میکند آنچه را که از نماز فریضه بدون اقبال و توجه انجام گرفته متعدد و مستفیض است بنابراین شایسته نیست که نوافل بکلی ترک شود بخصوص نافله شب ولو سه رکعت آخر باشد که دو رکعت شفع و یک رکعت وتر است.

**مربوط بصفحه ۴۸ - تنبیه**

شایسته و سزاوار است که بنده همیشه اوقات مثل وقتی باشد که برای نماز روی بقبله میایستد، یعنی دنیا و آنچه را که در دنیا هست فراموش داشته باشد و بخلق و آنچه که ایشان در آن هستند متوجه نباشد و فارغ کند دل خود را از هر چه مشغول میکند او را از یاد خداوند عالم و بیاد عظمت و بزرگی حق تعالی و ملتفت روز جزا و یوم پاداش باشد و هرگاه بنده چنین باشد گویا پیوسته در نماز و معراج باشد چنانچه از جناب شیخ مفید علیه الرحمة در کتاب مجالس مسندا از جناب ابی حمزه ثمالی رحمة الله علیه از حضرت ابی جعفر علیهما الصلوة و السلام قریب بدین نقل شده که فرمود پیوسته مومن در نماز است مادامیکه در ذکر خدا باشد چه ایستاده باشد یا نشسته یا خوابیده الحدیث.

**مربوط بصفحه ۵۱ - تنبیه**

بدانکه خلاصه مدعای ما در باب نماز آنستکه حقیقت و ماهیت نمازیکه از ما خواسته اند من حیث الاقوال عبارتست از حقایق و معانی، نه الفاظ و حروف.

یعنی در باب تکبیرة الاحرام مثلا که اولین جزء واجب نماز است مدح و ثنای حق تعالی را بکمال کبریا یت خواسته اند بلفظ الله اکبر نه خود لفظ الله اکبر را. و درباب استعاذه مثلا که نخستین جزء مستحب نماز است پناه بردن بخداوند عالم از شیطان رجیم را مطالبه نموده اند بحرف اعوذ بالله نه خود حرف اعوذ بالله را. وبعبارت ساده تر الله اکبر و اعوذ بالله با معنی از ما خواسته اند نه بی معنی. و همانطور که لفظ الله اکبر و حرف اعوذ بالله را تا یاد نداشته باشیم نمیتوانیم آنرا بیاوریم. همچنین معنای الله اکبر و اعوذ بالله را تا یاد نگیریم نمیتوانیم آنرا بلفظ الله اکبر و حرف اعوذ بالله انشاء کنیم.

اما توقف انشاء معنی بالفاظ بر یادداشتن آن پس محتاج بیان نیست. و لکن معذک در کتاب الهادی بیان نموده ایم. مقصود ما دراین تنبیه بیان یک شاهد و دلیل است بر اینکه در نماز از ما حقایق و معانی را خواسته اند بالفاظ و حروف نه خود الفاظ و حروف را تا آنکه اهل علم کثرالله تعالی امثالهم و قدس اسرارهم نیز از این وجیزه استفاده بیشتری برده باشند و آن شاهد و دلیل مرکب است از دو مقدمه یکی آنکه حضرت رسول و ائمه علیه و علیهم الصلوة و السلام در نماز حقایق و معانی را میآورده اند بالفاظ و حروف نه خود الفاظ و حروف را.

و دیگر آنکه ما در حقیقت و ماهیت نماز با ایشان شریک میباشیم و هریک از این دو مقدمه بعد از توجه و التفات خود واضح است. معذک بذکر چند روایت



تبرک میجوئیم تا آنکه مطلب روشن تر گردد دو روایت راجع بمقدمه اولی و دو روایت مربوط بمقدمه ثانیه.

### روایت اول

از کلینی رحمه الله مسندا از حضرت ابیعبد الله مسندا از حضرت ابیعبد الله علیه السلام در حدیثی طولانی راجع بکیفیت نماز حضرت رسول صلی الله علیه وآله در معراج نقل شده که حق تعالی بآنحضرت فرمود، احمد نی یعنی حمد وستایش کن مرا، پس حضرت فرمود الحمد لله رب العالمین.

### روایت دوم

از کلینی رحمه الله نیز از حضرت ابیعبد الله علیه السلام راجع بکیفیت نماز حضرت رسول(ص) در معراج از خود آن حضرت قریب بدین نقل شده که حق تعالی بمن فرمود صل علیک و علی اهل بیتک پس گفتم اللهم صل علی و علی اهل بیتی. وجه شهادت این دو روایت براینکه حضرت رسول(ص) حقیقت و معنی راکه حمد و طلب رحمت باشد آورده اند بجمله الحمد لله رب العالمین و کلمه صل علی و علی اهل بیتی نه لفظ و حرف این جمله و کلمه را آنستکه خداوند عالم با حمدنی و صل علیک و علی اهل بیتک امر، بمعنی که حمد و طلب رحمت باشد میفرماید نه بلفظ و حرف. پس اگر حضرت لفظ و حرف آورده باشند امثال امر را نکرده اند.

## روایت سیم

از ابن بابویه رحمه الله مسندا از حضرت رضا علیه السلام در حدیث طولانی قریب باین نقل شده که، اما دوازدهم پس قول خدای عزوجل میباشد و امر اهلک بالصلوة و اصطبر علیها، پس تخصیص داده خدای عزوجل ما را باینکه امر فرموده ما را با امت باقامه نمازها پس از آن امتیاز داده ما را باینکه در این آیه امر بنماز نموده مارا بتنهایی.

## روایت چهارم

از حضرت علی بن ابراهیم رحمه الله در روایت ابی الجارود از حضرت ابیعبد الله علیه السلام راجع بهمین آیه شریفه در حدیثی قریب باین نقل شده که میفرماید زیرا که امر فرموده ایشان را یعنی اهل بیت علیهم السلام را با مردم عموماً پس از آن امر نموده ایشان را خصوصاً الخ.

مولف گوید بیشتر چیزیکه در نفس ایجاد کرده این خیال را که شارع مقدس از ما چه در نماز و چه در غیر نماز الفاظ و حروف را خواسته قل ها و تقول هائی است که در اخبار راجع بذکر و دعا هست بدعوای آنکه بما فرموده اند بگو الله اکبر و اعوذ بالله مثلاً و نگفته اند معنای آن را یاد بگیر یا قصد معنی داشته باش و این خیال بچند جهت خیال است و ما بدو جهت اشاره میکنیم یکی آنکه اگر باین قل ها و تقول ها لفظ را خواسته باشند لازم خواهد آمد که در شرع راجع بهر بابی دو واجب یا دو مستحب باشد یکی معنی و یکی لفظ زیرا

که خواستن معنی مسلم بلکه اساس قرآن مجید و حدیث شریف بر آنست مثلا در باب استعاذه معنی را بخواهند بگفتن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم و لفظ را خواسته باشند بگفتن قل اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و این مطلب معلوم البطلان و واضح الفساد است. جهت دوم آنکه در بعض اخباریکه بقل یا تقول دعا و ذکر بمردم یاد داده اند آیات آمره بمعنی ذکر شده. پس معلوم میشود که در این قل ها و تقولها نیز حقیقت و معنی را میخواهند نه لفظ و حرف را.